

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجموعه یادداشت‌های

ایرانشناسی بدون دروغ (3)



سیری در جغیات تاریخ منطقه و نگاهی به تاثیرات آن بر اجتماعات مردمان مسلمان منطقه



برمبنای مطالعات بنیان اندیشی سر کتاب‌ها

«تاملی بر بنیان تاریخ ایران»

ناصر یوریار

Ketabton.com

جمع‌آوری و تالیف

Aydın Təbrizli

تابستان 92

«آرشیو وبلاگ کنکاش در تاریخ»

www.biryol-az.blogspot.com

فهرست:

3..... مقدمه

4..... شکستن سکوت(1) - (هنر کاشیکاری در منطقه عمری بیشتر از 150 سال ندارد)

8..... اشاره(1) - (تمامی عکس های مربوط به ناصرالدین شاه قاجار هستند)

11..... شکستن سکوت(2) - (شهر شیراز یک شهر 100 ساله هم نیست)

12..... نقشه‌های شهرهای ایران در دوره قاجار

39..... شکستن سکوت(2) - (شهر ارومیه یک شهر 100 ساله هم نیست)

40..... اشاره(2) - (امامزاده‌های قلابی فراوان در منطقه)

42..... نتیجه گیری

مقدمه:

بر اساس این یادداشت‌های طولانی و مفصل و گویا و هشدار دهنده، که در اینجا قسمت آخر آن ارائه می‌شود متذکر شدم که حتی سطری از تاریخ و فرهنگ و به طور کلی علوم انسانی رایج در جهان و منطقه دارای راستی نمی‌باشد و همگی جعلیاتی است که برای بهره برداری‌های لازم طراحی شده است و نتیجه همه این جعلیات همان چیزی است که می‌بینید و هر روز امکان دارد معتقدان مذهبی یک گروه از مسلمانان بر اساس همین جعلیات حکم ارتداد آن دیگری را صادر کنند و یا قومی به دلیل حضور چند ساعت بیشتر خود در منطقه به همسایه خود هجوم برد و همه مردم آنجا را از دم تیغ بگذرانند و به گمان خود عمل ثوابی انجام داده است و بلافاصله وارد بهشت می‌شود و از الطاف الهی برخوردار خواهد شد! اسلام گواه روشنی است و در قرآن هشدار می‌دهد که از همان ابتدای نزول قرآن و ترویج اسلام، سران کنیسه و کلیسا برای فتنه جویی در جوامع اسلامی دست به اقداماتی زده‌اند، جایگاهشان را تا حد نجس پایین آورده است و تذکر می‌دهد که آنها را چنان تحت فشار قرار دهید که به دست خود جزیه بدهند. ولی متأسفانه این بیانات خداوند در قرآن از طرف مسلمین بیشتر در حد تعارف مورد قبول قرار گرفته است! اکنون تنها یک راه برای مسلمین باقی مانده است و آن اینکه با توسل به متن صریح قرآن از دامن زدن به فتنه‌های معلوم‌الوضعیت و طراحی شده به دست دشمنان قسم خورده، خودداری کنیم و اگر واقعا خود را مسلمان می‌دانیم نگاهی دوباره به قرآن و آموزه‌های آن داشته باشیم. هدف اصلی بنده از مطرح کردن یادداشت‌های «اسلام و شمشیر» در کنار این سلسله جعلیات توجه دادن نکته سنجان، به فراگیر و همه گیر بودن جعلیات می‌باشد تا شدت خشم دشمن از اتحاد و برادری بیش از یک میلیارد مسلمان را خاطر نشان کنیم. امیدواریم آنچه در این یادداشت‌ها آمد موجب تغییر در رفتار روشنفکران شود و از حالت زبانی و کلامی خارج شود.

Aydın Təbrizli

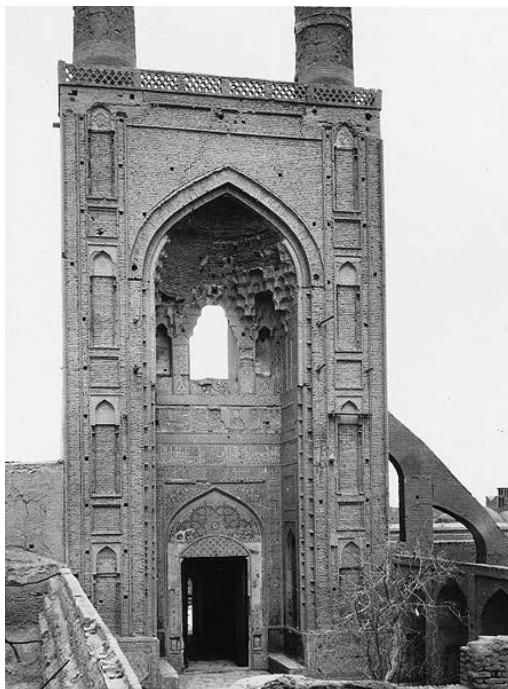
92 تابستان

- شکستن سکوت (1)

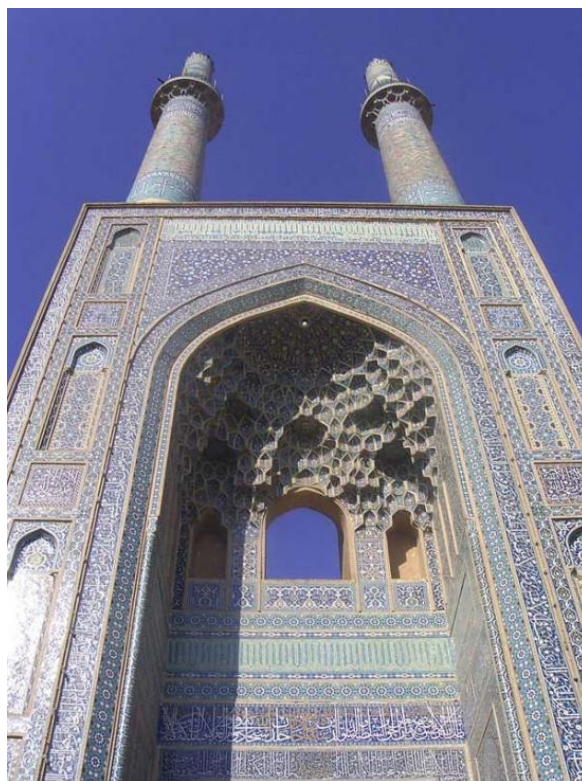
سلسله یادداشت‌های بنیان اندیشی در این تاپیک دیری نخواهد پایید که صدای خیلی‌ها را در خواهد آورد و بنده بنا بر دلایلی مجبور هستم با شدت و سرعت کمتری مطالب خود را در این سایت قرار دهم. ولی بنا بر استقبال دوستان برای پیگیری ادامه مباحث دوباره خواهشمندم به مسائل کورکورانه نگاه نکنید. این مسائل مبدا روشنفکری و فصل نویی در نگاه بنیانی به قضایا می‌باشد و اگر خود را در مسیر امواج حقیقت این کانال قرار دهید خواهید دید چه تاثیراتی در جزئی‌ترین مسائل زندگی‌تان خواهد گذاشت.

در یادداشت‌های مربوط به قلاع نشان دادیم که ساکنین اولیه بعد از پوریم حتی بعد از گذشت چند صد سال از طلوع اسلام در عربستان هنوز چیزی برای عرض اندام نداشته‌اند و در قلاع موجود به غیر از وضعیت استراتژیکی و جنگی و جمع آوری آب باران و برف برای روزهای بی‌آبی چیز فاخر دیگری نمی‌یابیم. در اینجا باز با قدرت اسناد ارائه شده عرض می‌کنیم پوریم ساکنین منطقه را به روزی انداخت که مردمان سرزمینی که پیشینه تمدنی چون حسنلو را داشته‌اند مجبور شدند در ابتدای ورود و مهاجرت به منطقه به قلعه نشینی روی آورند تا از آن چیزهایی که با زحمت به دست آورده‌اند دفاع کنند دلیل این مسئله تنگ دستی مردمان جدید از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و نیروی انسانی می‌باشد و عمق قضایا تا حدی است که مهاجر بعد از پوریم و بعد از اسلام مجبور شده است دامنه‌های سرسبز و چراگاه‌های و دشت‌های حاصلخیز کنار رودخانه‌ها را رها کند و بر بالای قله‌های چند هزار متری به قلعه سازی و گرفتن آرایش دفاعی مشغول شود. اکنون برگ دیگری از جعلیات را رو می‌کنیم که سازندگان تاریخ‌های جعلی برای پر کردن خلا خالی از سکنه بودن منطقه بعد از پوریم تدارک دیده‌اند و اگر کسی دارای دو چشم سالم باشد در انتهای این یادداشت رگبارهای لعن و نفرین را بر سازندگان این فتنه‌ها که همانا یهود و نصاراست نثار خواهند کرد.

«مسجد جامع یزد به شیوه یک ایوان در دل کویر می‌باشد و در طی حدود 100 سال و سه دوره بنا شده‌است. **پایه های اصلی مسجد را ساسانیان و بنای فعلی مسجد، از لحاظ شیوه معماری متعلق به دو دوره موسوم به آذری دانسته‌اند. بنای گنبد خانه متعلق به دوره ایلخانی و سر در رفیع مسجد را متعلق به زمان شاهرخ و دوره تیموری دانسته‌اند. این بنا از لحاظ خوابیدگی گنبد، سر در رفیع و بلند و همچنین **کاشیکاری زیبا و منحصر بفرد**، شهرت دارد.» (ویکی پدیا)**

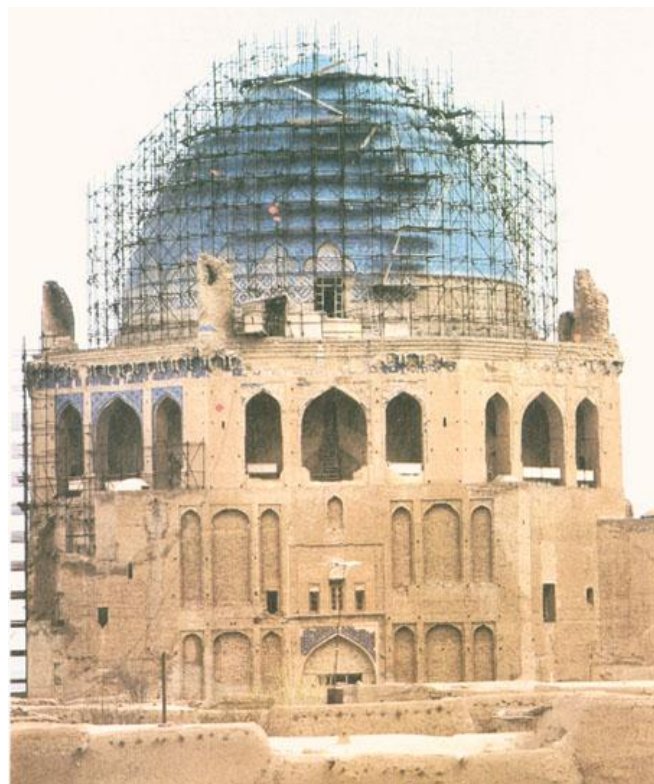


شما در این تصویر سر در ورودی مسجد جامع یزد را می بینید که فاقد هر گونه کاشیکاری بوده است و در بالای تاقچه های تزینی این ایوان شاهد آماده سازی و قالب گیری و زیر سازی ابنیه ای بوده اند که اکنون شما آن را این گونه می بینید؟!؟! توجه کنید که پایه های این مسجد را ساسانیان ساخته اند! یعنی قبل از تسلط اعراب بر ایران ساسانیان غیر مسلمان و زردشتی مسجد نیز می ساخته اند؟! یک ضرب المثل تورکی می گوید: «یالانچنین یادیندا سی اولماز!»، (دروغگو کم حافظه است) و اگر شما وارد این وادی شوید متوجه می شوید که دقیقا هم اینگونه بوده است و اساتید از یادشان رفته است که ساسانیان سلسله ای قبل از اسلام بوده اند!.



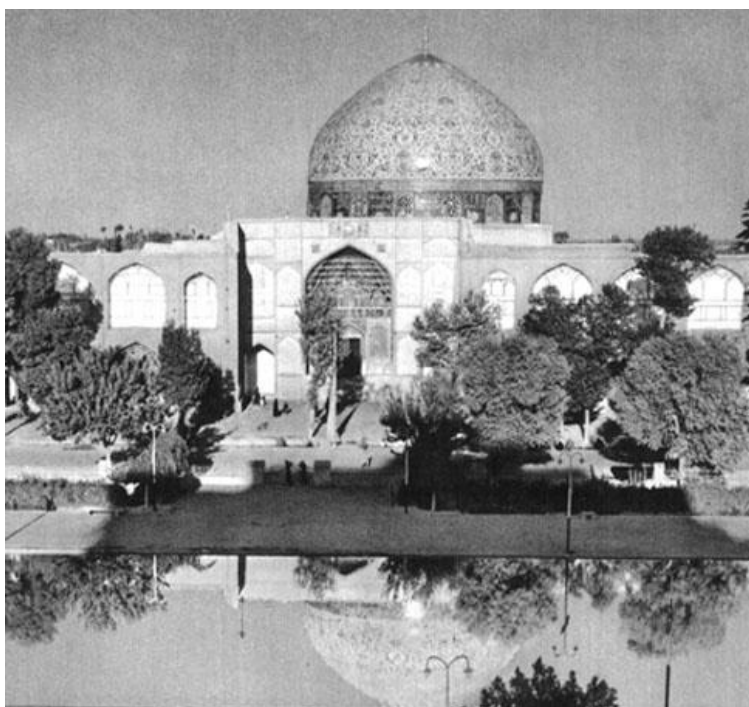
«گنبد سلطانیه مقبره العجایتو است که در 1302 تا 1312 در شهر سلطانیه (پایتخت ایلخانیان) ساخته شد و از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی از شیوه معماری آذری به شمار می رود. این بنا مسجدی است بسیار زیبا از حیث معماری و تزئین و بزرگی در دنیا مشهور است. گنبد مزبور در پنج فرسخی سمت شرقی شهر زنجان در داخل باروی شهر قدیم سلطانیه قرار گرفته و بنایی است هشت ضلعی که طول هر ضلع آن 80 گز است. هشت مناره نیز در اطراف گنبد دارد. و قدیمی ترین گنبد دوپوش موجود در ایران است. رنگ گنبد آبی است. بر روی این اضلاع گنبد بلندی قرار گرفته که ارتفاع آن را 120 گز نوشته اند. در قسمت بالایی آن ساختمان دور تا دور اتاقها و غرفهها ساخته اند. خود گنبد از کاشی های فیروزه ای رنگ پوشیده و سقف داخل اتاقهای بالا با گچبریها و آجرهای رنگارنگ ترین یافته است. در حاشیه طاقها آیات قرآنی و اسم الله با خط جلی نوشته شده است. حکاکیهایی در آجرهای دیوارها و سقفهای رنگین بنا نیز دیده می شود. تزئینات و نحوه ساخت این مقبره در واقع نقطه عطفی در معماری آن دوران بوده به این شکل که سبکی جدید را در معماری به وجود آورده که از معماری سلجوقی منفک شده است.» (ویکی پدیا)

حال دعوت می‌کنم در تصاویر زیر دقیق شوید :



«مسجد شیخ لطف‌الله (ساخته شده در 1602 - 1619 میلادی) یکی از مسجدهای تاریخی و شناخته شده شهر اصفهان است که در دوران صفویه بنا شده است. این مسجد شاهکاری از معماری و کاشی‌کاری قرن یازدهم هجری است که توسط استاد محمدرضا اصفهانی از معماران نامدار آن دوره ساخته شده است. مسجد شیخ لطف‌الله به فرمان شاه عباس اول در مدت هجده سال بنا شده است.» (ویکی‌پدیا)

این بدبخت اصلا نمی دانسته است که تاز زمان رضاشاه و صدور سه جلد چیزی به نام ، نام فامیلی مطرح نبوده است و همگان را با نام پدرانشان شناسایی می کردند! چنانچه هنوز هم خانواده های سنتی در شهر ها و آبادی ها اینگونه اطرافیان خود را شناسایی می کنند نام می برند .



اکنون از دوستان تقاضا دارم یک متر نواری بر دست بگیرند و اندازه کلاه گشاد گذاشته شده بر سرمان را اندازه بگیرند و بفهمند کلاه برداری و یا کلاه گذاری بدون استرس و درد و التهاب با پیشرفته ترین سیستم های روز جهان در حال اجراست به نحوی که با وجود خروار ها سند از این قبیل و شبیه آنچه از بیستون و تخت جمشید و طاق بستان آوردم ، روشنفکری ما در خواب فرو رفته است . کسی نمی گوید : دیگر بس کنید ، سکوت را ترجیح می دهند و مثل گربه های ملوس با ذکر و روایت این اباطیل از دوران های باشکوه کرنشی می کنند و خود را به این جعلیات می مالند و افتخار می کنند که چه گذشته باشکوهی داشته اند . دوستان اگر زمانی باشد زمان بیداری است . همین دم خروس ها کافی است که ادعا کنم تمامی ابنیه ای

که اکنون در ایران و کشور های اطراف ایران دارای کاشیکاری هستند همگی معجزات جعل همین 150 سال اخیر هستند به طوری که دوربین های عکاسی اولیه نیز توانسته اند این دروغ ها را ضبط کنند.

اصولا کاشی در اقلیم هایی مانند ایران و یا در هیچ کجای جهان نمی تواند بیش از 150 سال دوام بیاورد. کافی است متذکر شوم کاشی از دو جنس مختلف ساخته می شود و جنس قسمت فوقانی و لعاب دار با قسمت تحتانی فرق دارد. این مسئله منجر به این می شود که در تغییرات دمایی بیش از حد این دو نسبت به هم دیگر انبساط طولی و حجمی متفاوتی داشته باشند و مثلا در اقلیم های ایران مناطقی وجود دارد که میانگین اختلاف دمای صبح و شب گاه تا بیش از 20 درجه می باشد و یا اختلاف تابستان و زمستان گاه تا بیش از 40 درجه است. حال در چنین شرایطی اگر در طول یک 24 ساعت، یک یا چندین بار دما به زیر صفر برسد به مرور در سطح کاشی ترک های مویی شکل می گیرد. آنهایی که فیزیک آب را می دانند مطلع هستند که آب تا منفی چهار درجه منقبض می شود و در دماهای بیشتر از آن شروع به انبساط می کند. اگر در داخل این ترک های مویی در اثر رطوبی حاصل از باران آب نفوذ کند در مدت زمان کمی سطح کاشی متلاشی شده و از بین می رود و در نتیجه در منطقه ما کاشی نمی تواند عمر زیادی داشته باشد. شما می توانید این مسئله را در زمستان های تبریز آزمایش کنید و مدرن ترین و پیشرفته ترین کاشی های جهان را در مجاورت سرما و گرما و رطوبت قرار دهید و ببینید منظور بنده چیست. آیا تا کنون پیش نیامده است که در زمستان شاهد ترک خوردن و تخریب کاشی های ساختمان های مسکونی خود باشید. لازم است تذکر دهم به شهادت مطالبی که گفتم و نو بودن کاشی های ابنیه موجود در ایران و کاشی های هم جوار، این خبر را به شما بدهم که همه این ابنیه در حال تخریب طبیعی هستند و میراث فرهنگی دست به دامن مرمت کاران شده است. سری به مسجد کبود بزنید متوجه می شوید که دلیل تخریب کاشی های خارجی این بنا طبیعت بسیار سرد زمستانی تبریز است و خود این بنا که درباره آن خواهم نوشت عمری بیشتر از 150 سال ندارد و همه قصه های مربوط به آن همگی جعل جعل هستند. پس در این جا کل قضایای کاشی کاری ها را به استناد همین عکس ها و عکس های دیگری که اگر لازم باشد خدمت دوستان ارائه می دهم خاتمه می دهم. در ادامه اگر فرصتی شد خواهم گفت که این هنر نه ایرانی است و نه اسلامی، و مبدا گسترش این هنر مهاجرت یهودیان اسپانیا به منطقه می باشد.

- اشاره (1)

همانگونه که قول داده بودم قصدم بر این بود به مباحث شهرهای ایران در دوره قاجار وارد شوم و نو ساز بودن سنگ بنای تمامی شهرهای ایران و عراق و تورکیه را به طالبان حقیقت نشان دهم ولی خواستم اشاره ای کنم که حتی نزدیکترین تواریخ به عصر حاضر نیز در درون جعلیات یهود ساخته در حال خفه شدن می باشد و حتی سطری از این تواریخ قابل استناد نمی باشد. در اینجا شما را توجه می دهم به هشت عکس مختلف از قبله عالم شاه قدر قدرت! که اگر کمی در عکس ها غور فرمایید متوجه می شوید که مظلوم چیست!؟





از دوستان خواهش می‌کنم چندین بار دست و صورت خود را بشویند و به این تصاویر نگاه کنند! آیا فهمیدید منظورم چیست؟ آیا قبول کردید که در این هشت تصویر شما با هشت ناصرالدین شاه مختلف سر و کار دارید! یعنی تمامی این نفرات در عین واحد شاه بوده‌اند و یا در دوره قاجار چندین ناصرالدین شاه داشته‌ایم؟! آری باز سرمان کلاه گذاشته‌اند و زمانی که در سرزمینی شاه 150 سال پیشش نیز جعلی از آب در می‌آید باید یقه همه این جاعلین را گرفت و به میز محاکمه کشاند که چرا مردم را به مسخره گرفته‌اند. باید به آنها بفهمانیم که ما انسان‌های با شعوری هستیم و نمی‌شود با ما چنین شوخی‌های کثیفی را انجام دهند.

- شکستن سکوت (2)

خداوندا نگهدار از زوالش

خوشا شیراز و وصف بی مثالش

و زمانی که به تصویر هوایی شهر شیراز به زمان قلدری رضا قلی خان پالانی دقیق می شویم:

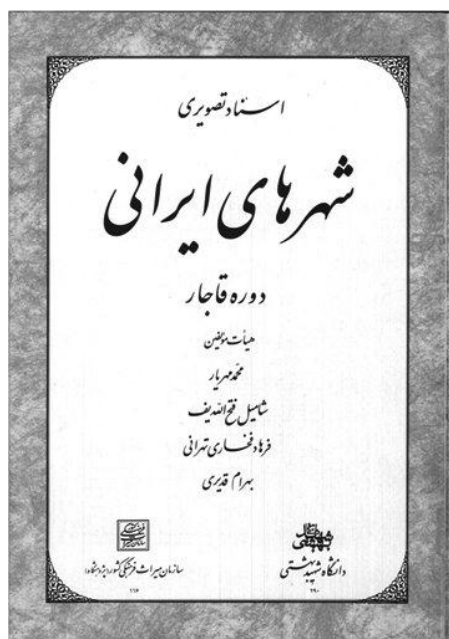


متوجه می شویم منظور حافظ از سرودن شعر خوشا شیراز و وصف بی مثالش مزارع صیفی جات است چون در تصویر هوایی موجود شهری به نام شیراز دیده نمی شود و به غیر از چند محله کوچک با چند خانه . دیگر شیرازی قابل شناسایی نمی باشد و زمانی که شیراز 60 سال پیش به این گونه بوده است پس باید پرسید این حافظ لسان الغیب و سعدی شیخ الاجل در کدامین شیراز چند صد سال قبل زندگی می کردند؟!

پس از دوستان تقاضا دارم بر اساس همین عکس تمامی کتاب‌هایی را که در آن‌ها اسمی از شیراز با قدمت بیش از 100 سال قید شده است را به سبزی فروش دم کوچه یا عطار محله تان بدهید که در آن تره یا زرد چوبه بیچد چون این عکس تودهنی بزرگی بر جاعلین و سازندگان شیراز جعلی می باشد . و حال شما را از این همه افسانه بافی‌ها در باب شیراز بدون هیچ درد و استرسی رها کردیم . این قدرت بنیان اندیشی است که موی را از ماست بیرون می کشد و ماسک زیبای کنیف رویان جاعل را عیان می کند.

- نقشه‌های شهرهای ایران در دوره قاجار

همانگونه که قول داده بودم برای اتمام کلی مباحث مطرح شده و پرداختن به موضوعات توضیح دهنده قرار بود سلسله یادداشت‌هایی را با نام «نقشه‌های شهرهای ایران در دوره قاجار» را برایتان بیاورم. در این سلسله یادداشت‌ها به شما نشان خواهم داد که سنگ بنای تمامی شهرهای ایران فراتر از 200 سال نیست و شما با چهره واقعی سازندگان و معماران شهرهای ایران آشنا خواهید شد. مطالب این یادداشت‌ها با واسطه‌ای از کتاب زیر نقل می‌شود.



شهر تهران



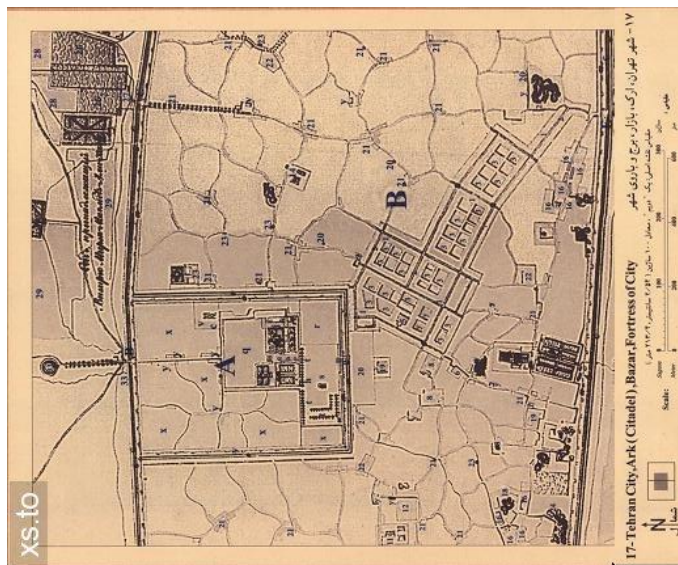
SHAHREFARANG.COM

«نقشه شهر تهران، سال 1826 میلادی: در زمان فتحعلی شاه، تهران در یک منطقه بیابانی استقرار یافته بود که در اطراف آن سکونتگاه‌های چندی وجود داشت. شهر با دیوارهای دفاعی به طول 4-5 مایل محصور گردیده که بلندی دیوارها 20 پا، پهنای آن 40 پا و عمق خندق‌های آن به 20 تا 30 پا می‌رسیده است. دیوارهای دفاعی شهر خشتی، نامقاوم و در بعضی از نقاط تخریب شده‌اند. شهر شش دروازه ورودی داشته است، این دروازه‌ها با کاشی تزیین یافته‌اند. خیابان‌ها، باریک و از نظر آسایش وضعیتی نامساعد داشتند. ارک در بخش شمالی شهر، یعنی جایی که دیوانخانه یا دربخانه (کاخ شاه) قرار داشت، استقرار یافته بود. در مسافتی دورتر از دیوارهای شهر، قصر معروف شاهی به نام قصر قجر که توسط فتحعلی شاه ساخته شده بود، قرار داشت و این بنای تاریخی به تنهایی یکنواختی بیابان اطراف خود را از بین می‌برد. تمامی اطلاعات سیاحان، سیاستمداران و افراد نظامی آن زمان درباره‌ی شهر تهران، در نقشه تهران به عنوان پایتخت ایران گنجانیده شده است که توسط نقشه برداران سپاه روس در سال 1826م. تهیه گردیده است. بر اساس این نقشه، شهر دارای شکل مستطیل و از غرب تا شرق 2407 متر، از شمال تا جنوب 1656 متر است. ارک در بخش شمال غربی شهر جای دارد. محدوده ارک از شمال تا جنوب 352 در 816 متر است. در گوشه جنوب شرقی ارک به سمت مسیر جنوبی، مرکز تجاری و اجتماعی پایتخت مستقر بوده است... باروی دفاعی شهر، با دروازه‌های آن مرتبط می‌شود و از طریق آن‌ها به سمت قصر قجر، استرآباد، خراسان، قم و قزوین حرکت می‌کنند که به ترتیب به شرح زیر نامیده می‌شوند: دروازه نگارستان، دروازه دولاب، دروازه شاه عبدالعظیم و دروازه قزوین. بر مبنای این نقشه، شهر به واسطه یک دیوار با برج‌های خشتی، خندق خشکی که در موارد ضروری می‌تواند با آب پر شود، محصور شده است. در چهار گوشه مستطیل شکل شهر، باروها به استحکامات استوانه‌ای شکل مجهز‌اند. در مقابل سراسیمه خندق و در برابر استحکامات فوق، دیوارهای خاکی کوچکی به ارتفاع 2.5 پا وجود دارد. در عین حال در فاصله 140 سائین از تمامی دروازه‌ها، برج‌های دفاعی استوانه‌ای شکل قرار داشته است. همچنین ارک یا مقر سکونت شاه نیز که بیش از 30 هکتار وسعت دارد. با وجود دیوارهای دفاعی که تنها دروازه ارک را در بین دارد با برج‌های و خندق خشک محصور شده و معبر مستقیمی وجود دارد که در دو طرف آن مغازه‌ها و فروشگاه‌ها استقرار یافته‌اند که تا دروازه دولت ادامه دارد. از طریق این دروازه شهر با مجموعه قصر مرتبط بوده است. بر اساس نقشه سال 1826م. کاخ که به تازگی سیمای طراحی معماری خود را به دست آورده، پایه‌ای برای معیارهای بنیادی ساخت و سازهای بعدی واقع می‌گردد. در مرکز این مجموعه باغ‌ها و باغچه‌ها، با حوض‌ها و چشمه‌ها قرار دارند که سیمای عمده معماری باغ‌های محلی را تشکیل می‌دهند. این قسمت، بخش اساسی ساختار کاخ را به وجود آورده است. از میدان کاخ، دروازه‌های ورودی به بخش‌های مسکونی کاخ منتهی می‌شوند که دروازه فیروزه در میان آن‌ها شناخته شده است. سپس به تالار بارعام اصلی (عمارت خورشید) می‌رسد. بخش داخلی سکونت‌گاه شاه که گلستان نامیده می‌شود، به تالار اصلی ارتباط دارد. تقریباً جنب گلستان در اولین اطاق جانبی تالار بارعام، حوض مرمر و دیگر وسایل تزیینی که در سال‌های 1817 و 1819 م. توسط دربار روسیه به عنوان هدیه برای شاه فرستاده شده بود، جای گرفته است. در دومین اطاق جانبی تالار بارعام، تختخواب مرمر قرار دارد که در سال 1826 م. توسط دربار روس به عنوان هدیه برای شاه ارسال شده که هدیه با ارزشی است. جنب این اطاق کلاه فرنگی استقرار یافته که پناهگاه اصلی برای استراحت است و این عنصری است که به نحوه گسترده‌ای در بناهای مسکونی کشور به کار برده می‌شود. خزانه‌ی کاخ و انبارها مستقیماً به دیوان‌خانه مرتبط هستند. اندرون (حرم شاه) بخش عمده‌ای را به خود اختصاص داده است. در طرح این بخش از مجموعه کاخ، بر مبنای ساختار طراحی، باغچه‌ها و باغ‌ها به عنوان عنصری اصلی نظر واقع شده‌اند، زیرا دسترسی به این بخش طبیعتاً ممنوع بوده است. از جنوب شرقی، ابتدا کاخ فرزند شاه سپس کاخ حاکم شهر (علی شاه میرزا) به کاخ شاه مرتبط شده است. میان این کاخ و سربازخانه‌های گارد شاه و توپچی‌ها، میدان بزرگی به نام میدان عمارت واقع شده بود. خانه‌های درباریان نیز درون ارک استقرار داشته است. برخلاف مجموعه کاخ که دارای نظام طراحی دقیق مستطیل شکل است، سازمان نظام شبکه دسترسی ارک که خانه درباریان در آن مستقر است، پاسخگوی سنت‌های باستانی شرق با لبه بدیع خیابان‌ها و کوچه‌ها است. ارک با دیوارهای دفاعی جنوبی آن، مستقیماً با میدان بازار یا میدان اروس (روسیه) مواجه است. این میدان به این علت که اسرای روس در زمین مجاور آن

نگهداری می شدند، روسیه نیز خوانده می شده است. در کنار میدان و در ناحیه ای به وسعت 13 هکتار مجموعه تجاری بازار، بخش های سرپوشیده آن و کاروانسراها قرار دارند. این مجموعه بر اساس تدابیر طراحی معماری بدیع و تجلی حجم فضایی، پدیده ای کامل و متمایز است.

نقشه سال 1826 م. تهران از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است زیرا این نقشه جزء اولین نقشه های گردآوری شده است که به نحو جدی نه تنها نظام طراحی شهری پایتخت و سیمای ترکیبی یک منطقه بزرگ با وضعیت اطراف خود را منعکس می سازد، بلکه امکان ردیابی نقشه های بعدی و نحوه توسعه و تکامل آن ها را میسر می سازد. تاکنون هیچ یک از اروپاییان و مراجع محلی در زمینه طراحی و ساخت تهران، نقشه قدیمی تر از این نقشه که از وجه طراحی شهری سند با ارزشی برای تاریخ توسعه شهرهای ایران در اوایل قرن نوزدهم و قرن بیستم است، به دست نیاورده اند.» (هیئت مولفین، اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار، ص ۴۸)

ظاهرا این قدیم ترین رسامی از نقشه تهران در 185 سال پیش و به زمان فتح علی نخستین شاه قاجار است، که به علت آماده نبودن دربار هنوز ظهور نکرده است! بی تردید شهر شناختن این محوطه محصور، ساده انگاری است. چهار دیوار جدا شده ای از میان بیابان است، خالی از سکنه، که مشغول تدارکات و آماده سازی های نخستین، برای ارسال و اسکان سلسله قاجار در آن اند. نقشه فقط دو بخش دارد: بخش A که دم و دستگاه مختصر و در حال ساخت سلطنت در آن مستقر است و بخش B که ظاهرا بار انداز بزرگی است چسبیده به حصار ارک سلطنتی و دیگر قسمت های این پایتخت پر آوازه نیز جز کاربرد کاشت سبزی و صیفی و طالبی ندارد. آیا عجیب نیست ساکنان این چهار دیوار کوچک، که حتی یک چاپارخانه ندارند، مدعی مالکیت ایالات جنوب روسیه و یا هرات در افغانستان باشند؟! رسام نقشه ظاهرا با پی بردن به ناچیزی مظاهر اجتماعی شهر، که باید پایتخت امپراتوری نوسازی به نام قاجار قرار گیرد و با توجه به نقشه های قبل، از آذربایجان، حتی نمی دانیم از کجا گسیل شده اند، با حذف زوائد باثر نقشه، یک بار دیگر آن را به شمایل زیر درآورده، نقاط عمده را علامت زده و به این صورت ارائه داده است:



بدین ترتیب پایتخت آن سلسله، که گویا با روس و انگلیس در مراتب متعدد جنگیده و از تمامیت سرزمین بدون شهر خود دفاع کرده است، باز هم کوچک تر می شود و به ۱۵۰۰ در ۱۶۰۰ متر می رسد. کتاب در معرفی و تشریح نقاط عمده شهر نوشته است.

«توضیحات درباره حروف و علائم نقشه شهر تهران:

شهر دارای پنج دروازه است به شرح زیر:

A- دروازه قزوین

B- دروازه دولت

C- دروازه نگارستان

D- دروازه دولاب

E- دروازه شاه عبدالعظیم

A- بخش سلطنتی

A- کاخ شاه بخش ویژه شهر را تشکیل می دهد که نام آن ارک است. ارک نیز مانند شهر با دیوار دارای برج های (aaa) و خندق (ccc) احاطه شده است.

g- دروازه های ویژه ارتباط بخش های کاخ با شهر.

h- درب های اصلی در داخل قصر فیروزه دروازه.

i- عمارت خورشید

j- بخش گلستان که اطاق های اندرون شاه است.

k- تالار اول شرفیابی خصوصی دارای استخر شفاف و زیور آلات و هدایایی که در سال های 1817 و 1819 که در دربار دولت اعلیحضرت روسیه برای شاه فرستاده است. تالار دوم شرفیابی خصوصی که در آن تخت بلورین اهدا شده از طرف دربار اعلیحضرت روسیه در سال 1862م. قرار دارد.

m- کلاه فرنگی

n- استخر با فواره ها

o- خزانه داری دربار

p- اطاق خزانه

q- اندرون شاه، حرمسرا

s- کاخ پسر شاه، فرماندار شهر، علیشاه میرزا

Z- میدان

tt- عراده توپ

uu- سربازخانه جانبازان و فرماندهی توپخانه و همانجا اسلحه خانه

v- خانه بزرگ خواجه حرمسرای شاه منوچهرخان

xx- خانه های برخی از بزرگان دربار

gg- دکان ها

B- بخش شهر خارج از دیوار کاخ

بازار

بازار سرپوشیده

کاروانسرای داخل بازار

کاروانسرای ارمنی ها

مسجد شاه

امامزاده

مسجد و مدرسه

قبرستان مسلمانان

خانه و باغ متعلق به سفیر انگلستان

خانه زنبور کچی باشی - حاجی محمد خان

خانه رئیس وزارتخانه امور خارجه (وزیر) - میرزا ابوالقاسم خان.

خانه معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب

خانه وزیر شهر میرزا محمدعلی

خانه سر استاد دربار عبدالله خان

خانه قائم مقام میرزا ابوالحسن خان (در زمان عباس میرزا)

کلیساها و خانه های ارمنی ها

میخانه های ارمنی

مساکن ترکمن ها و کاروانسرای آن ها

حیاطی که در آن سربازان زندانی روس نگهداری می شدند.

میدان بازار یا اوروس میدان (میدان روسها)

دکان های خرده فروسی

حمام عمومی

مخزن آب

چاه ها و نقاط کنده شده.

محلله یهودی ها.

حومه های شهر

باغ ها

باغ ها با جالیز

جالیز با چیر

جالیز بدون چیر

دکان ها و دکان های کوچک

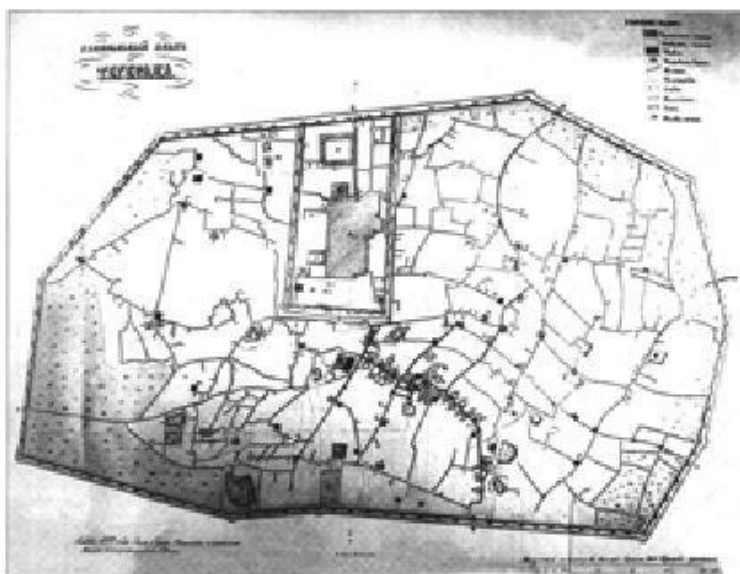
خانه های بیرون شهر

قناتهای زیرزمینی که به وسیله آن ها آب به شهر می رسد.

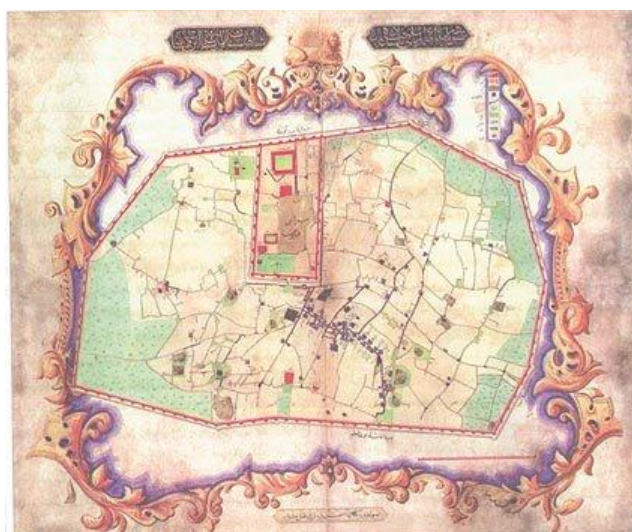
برج ها که در احاطه خاکریزها و خندق هستند. (هیئت مولفین، اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار، ص ۱۴۹)

اگر به آنالیز این داده ها بپردازم تصویر هولناک دیگری ظاهر خواهد شد که نشان می دهد تهران را هم و این بار با قصد جای دادن سلسله اعزامی قاجار در آن، همان تروپ هایی بالا برده اند که پیش تر اصفهان صفوی و شیراز زندگی ساخته اند، زیرا در شمای توصیفی فوق از تهران، گرچه محیط اسکان مردم بومی را ندارد، اما صاحب **9 فقره کلیسا و خانه های ارامنه** در دو محوطه و محله وسیع است، با محله مخصوصی برای ترکمن ها، شش **محوطه مخصوص اسکان روس ها** و فقط سه حمام، **یک مسجد و یک امام زاده** و بازار دارد، گرچه تعداد کاروان سراهای آن به صورت محوطه های

کوچک محصور، به 22 فقره می‌رسد، که نشان از ورود نامتعادل مسافران و مواد اولیه و احتمالاً مصالح ساختمانی و کالاهای مصرفی بسیار می‌دهد که هنوز در محل تولید نمی‌شده است.



ظاهراً 25 سال پس از آن رسامی سال 1826 نقشه دیگری از تهران و باز هم به وسیله روس‌ها تهیه شده، که شمای آن را در فوق می‌بینیم. این نقشه که در ص 98 کتاب نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار و چاپ رنگی آن در صفحه 471 دائرةالمعارف اسلامی و در زیر منعکس است، نه فقط به قدر بنای طویله‌ای بر مساحت تهران و ساخت و سازهای درونی آن افزوده نشده، بل در زوایای حصار شمال غرب و شهر، با شکستگی‌هایی مواجهیم که مساحت آن را باز هم تقلیل داده است! در مجموع، این هر دو نقشه با فصاحت تمام نشان می‌دهد که تهران چه در 1826 و چه در 1852 میلادی، یک ملک خصوصی و اشرافی با مقادیری ابنیه بارانداز و کاروان سرا و تیمچه، که درست مانند کاروان سراهای بی کاربرد قبلی، نمایشی است و تعداد بسیار آن‌ها معلوم می‌کند، در زمان رسامی این نقشه‌ها کسانی مشغول تولید پایتختی برای سلسله قاجار هنوز از راه نرسیده‌اند که درست نمی‌دانیم در کدام مزرعه می‌کاشته و سبز می‌کرده‌اند؟! این تکرار و نظیر دیگری بر بنای اصفهان صنعتی و هنری، برای سلسله صفوی و احداث شیراز فرهنگی برای اسکان سلسله بابدادیکی زندیه است!



نقشه شهر تهران ترسیم بره زین که در موزه کاخ گلستان نگهداری می شود شاید این شمای رنگی قاب گرفته و تی تیش مامانی، اما منطبق با رسامی بالا، که تهران ۱۶۰ سال پیش، یعنی ۲۶ سال پس از نقشه یادداشت پیش را نشان می دهد که هنوز در همان قواره و مقدورات اولیه و خالی از سکنه و امکانات شهری است، عرق شرم بر پیشانی کسانی بنشانند که از روی سیاه مشق یهودیان، در همه جا کرسی و تریبون درس های تاریخی اقتباس شده از مراکز دانشگاهی جهود نشین غرب، باز می کنند و بر میزان و مقدار تزریق افیون دروغ، در مسامات این ملت می افزایند. می گویند فتح علی شاه قاجار، از ۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴، محمد شاه، از ۱۸۳۴ تا ۱۸۴۷ و ناصرالدین شاه، از ۱۸۴۸ میلادی به بعد، سلطنت کرده اند. این اطلاعات معنا دار معلوم می کند حتی ناصر الدین شاه قاجار، به تهرانی در مقیاس نقشه بالا وارد شده و نه فقط فتح علی و محمد شاه در ۵۰ سال سلطنت خود برای توسعه و آبادانی تهران قدمی برنداشته و انگشتی نجنبانده اند، بل به دلیل نبود نفوس، ابنیه غیر دولتی و ساخت و سازهای خصوصی نیز انجام نشده است؟! آیا به راستی سلسله قاجار از ناصر الدین شاه آغاز می شود و آیا اگر تهران در آغاز عهد آن ذوالقرنین نو، همین قصیه بدون سکنه است، پس حقیقت انقلاب مشروطه چیست و از کجا نیرو گرفته است؟! مورخ هنگامی بر نادرستی کامل تاریخ کنونی قاجار مطمئن می شود که خواننده است بر الماس دریای نور، نام فتح علی شاه را حک کرده اند، و آن را شگردی درست برابر حک نام خشایارشا بر آن کاسه طلای فکسنی و نشانه ای از نقشه پردازان و مولفان واحدی در تدوین تاریخ ایران می بیند، به خصوص که برای فتح علی شاه، با تخریب کتیبه های یونانی، در تاق بستان نیز صورت ساخته اند؟!

«نقشه تهران، سال ۱۸۵۲ میلادی: بعد از نقشه سال ۱۸۲۶ م. تهران، سایر نقشه های مربوط به سال های بعد که بتواند ویژگی های توسعه شهر را در اثنای زمان محمدشاه (۱۸۴۸-۱۸۳۴ م.)، نقشه جامع تهران مشخص نماید، تاکنون به دست نیامده است. که با اجازه بخش نقشه برداری نظامی در جون ۱۸۵۲ م. در مسکو انتشار یافته است) در کتاب بره زین به نام (سفر به جنوب ایران، کازان، ۱۸۵۲ م.) به چاپ رسید. نقشه سال ۱۸۵۲ م. در مقایسه با نقشه سال ۱۸۲۶ م. از نقطه نظر جغرافیایی و نقشه برداری بسیار دقیقتر است و تصویر صحیحتری از ساختار طراحی شهر را آشکار می سازد. خطوط اصلی دیوار های شهر، مسیر امتدادهای مجزا و نحوه ارتباط آن ها با یکدیگر، تقریباً در مقیاس واقعی تهیه شده است. این نقشه از وجه داده های اطلاعاتی کاربرد عینی مواد، برای تجزیه و تحلیل وضع موجود طراحی شهر و بناهای آن از اهمیت به سزایی برخوردار است. این نقشه همچنین فرصت آن را فراهم می آورد تا عیناً نحوه استقرار ارک، خیابان های اصلی، مرکز تجاری با رشته ای از دکان های سرپوشیده و سرباز، کاروانسراها و دیگر بناهای عمومی، مورد بررسی قرار گیرد. در نقشه مذکور، ساختار ارک یا کاخ شاه، بنای سفارت روسیه، سربازخانه، محل برگزاری مراسم محرم، خانه حاجی میرزا آغاسی و دیگر عناصر طراحی به نحو کاملاً متمایز مشخص شده است. وجه مثبت نقشه سال ۱۸۵۲ م. را اطلاعات فراوان آن تشکیل می دهد. دو عنصر طراحی شهری در حیطه شهر حکمفرماست ارک، مرکز حکومت و دولت که ساختار پیچیده و طرح های متنوعی دارد، مرکز تجاری و اجتماعی، که تا کناره های جنوبی ارک خود را به دروازه شاه عبدالعظیم بسط پیدا کرده است. درامداد رشته دکاکین سرپوشیده و سرباز، ۲۹ کاروانسرا به اسامی زیر وجود دارد: زرگارو ۲. جبه خانه، ۳. حاجی سید محمد حسین، ۴. حاجی ملاعلی، ۵. گئورگیان، ۶. حاجی حسن، ۷. خودان، ۸. حاجی زمون، ۹. نگارخانه، ۱۰. کاشیه، ۱۱. شاه، ۱۲. قیصریه، ۱۳. حاجی ناسی، ۱۴. حاجی نادعلی، ۱۵. سلیمان خان، ۱۶. دوستعلی خان، ۱۷. حاجی موسی، ۱۸. دالان دراز، ۱۹ و ۲۰. حاجی کمال، ۲۱. میرزا اسماعیل، ۲۲. گردن کج، ۲۳. حاجی هادی، ۲۴. علم شکن، ۲۵. ذغالی، ۲۶. سرگلن، ۲۷. حاجی ودیع، ۲۸. کهنه، ۲۹. مخروبه. یک چنین تمرکز انواع گوناگون کاروانسراها که بر مبنای اندازه و نوع طراحی در امتداد طول معبر آرایش یافته اند، ماهیت ترکیبی بسیار مهم مرکز تجاری را نمودار می سازد. این نوع و نحوه طراحی، مستقیماً نظام فضایی پیچیده ای را آشکار می سازد که توسط بناهای محله های مسکونی محصور شده است. مرکز تجاری به عنوان یک مجموعه واحد، خود شامل نظام طراحی کلی شهر است که شبکه های معابر اصلی شهر را به سوی خود می کشاند. این شبکه های معابر، حاوی مراکز کوچک تری با بناهای مذهبی در درون آن هستند که در سازمان طراحی شهری و در چارچوب مقیاس شهری نقش مهمی ایفا می کنند. برخلاف سایر شهرهای ایران که بناهای مذهبی در طراحی و ساخت شهر تسلط دارند، در تهران نه مسجد (مسجد شاه،

مسجد یونس خان، مسجد حاجی رجب، مسجد چالهرز، مسجد امامزاده نصرالدین، مسجد حاجی علی، مسجد جمعه، مسجد حکیم، مسجد سید اسمعیل، سه امامزاده (امامزاده زید، امامزاده یحیی، امامزاده)، سه مدرسه (مدرسه عبدالوهاب (عبدالبها، مدرسه میرزاز کی، مدرسه میرزا صالح) وجود دارد. در تهران بناهای حکومتی از قبیل باروت خانه که توسط فتحعلی خان ساخته شده بود، جبه خانه وجود داشت که، مشتمل بر زمین بزرگی با مخازن آب و بناهایی برای کارگران، کوره ها و کارخانه توپ ریزی بود که به دست مهندسين انگلیسی و ایرانی انواع مختلف سلاح همچون توپ را تولید می کرد، ... به جز عناصری که در نقشه سال 1826 م. تهران وجود دارد، و در این نقشه نیز به آن ها اشاره شده است: باغ وحش شاه، خانه و باغ سفارت انگلیس اثر معمار اروپای شرقی و ضرابخانه در این جا قابل ذکرند. حجم حوزه شهر، در مقایسه با بنای شهر در سال 1826 م. به نحو قابل ملاحظه ای افزایش یافته و تراکم آن زیاد شده اما هنوز به قدر کافی مناطق آزاد وجود دارد. باغ های بزرگی در امتداد دیوارهای داخلی شهر به چشم می خورد. در اطراف شهر، بر فراز ارتفاعات سلسله کوه ها، کاخ ها و باغ های شاه وجود دارد: «قصر قجر» که در دامنه کوه بنا شده و نزدیک خانه و باغ شهری شاه به نام نگارستان قرار دارد که در نقشه سال 1826 م. تهران نیز به آن اشاره گردیده و در فاصله نیم کیلومتری از تهران، باغ لاله زار واقع شده است. فتحعلی شاه طرح باغ زمرد، چشم علی و برج نوش را در حومه تهران پی افکند». (هیئت مولفین، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، ص ۵۰ به بعد)

حال که چهره واقعی تهران همین 180 سال پیش را شناختید توجه کنید به این یادداشت:

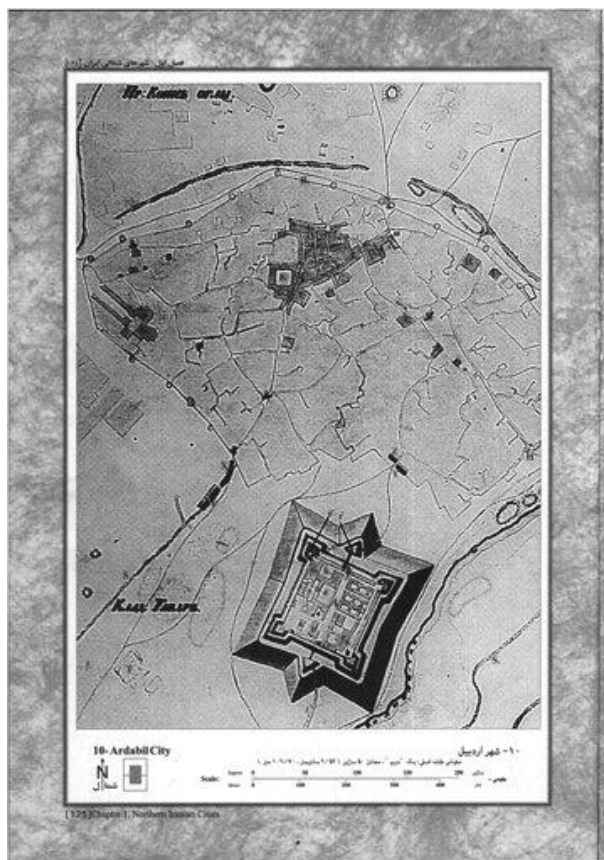
«یاقوت حموی مورخ یونانی الاصل عرب زبان در معجم البلدان تعریفی از طهران کرده و وضع این آبادی را در قرن ششم و هفتم نشان داده است که به شرح زیر است: ((طهران به کسر (طاء) و سکون (ها) و را و نون در آخر ، کلمه ای است عجمی و ایشان تهران تلفظ میکنند چون در زبان ایشان طاء وجود ندارد. این آبادی از دیه های ری است و میان آن دو قرب سنگ فاصله است. مردی راستگو از مردم ری مرا خبر داد که این آبادی دیهی بزرگ است که بناهای آن در زیر زمین بنیان یافته است و هیچکس جز به اراده مردم بدانجا راه نمی یابد و در بیشتر اوقات ایشان نسبت به سلطان وقت راه خلاف و سرپیچی می پیمایند و وی را جز مدارای با ایشان چاره ای نیست. آنجا را دوازده محله است که هر کدام را با دیگری نزاع است و مردم محله ای به محله دیگر در نمی آیند. آن را باغ و بوستان فراوان است که همچون شبکه ای بناها را در میان دارد و خود حائلی در برابر تهاجم به حساب می آید. وی گفت مردم آنجا با وجود محفوظ بودن با گاو کشت نمیکند و این کار را با بیل انجام میدهند از آن روی که ایشان را دشمن فراوانست و می ترسند که گاوشان به غارت برود.))

تهران در گذشته از روستاهای ری بوده و ری که در تقاطع محورهای قم، خراسان، مازندران، قزوین، گیلان و ساوه واقع شده به سبب مرکزیت مهم سیاسی، بازرگانی، اداری و مذهبی از قدیم مورد نظر بوده و مدعیان همواره این مرکز راهبردی را مورد تهاجم و حمله قرار می داده‌اند. روستای تهران به واسطه برخورداری از مغاک‌ها و حفره‌های زیرزمینی و مواضع طبیعی فراوان و دشواری نفوذ در آن‌ها پناهگاه خوبی برای دولتمردان و دیگر اشخاصی بوده که احتمالاً مورد تعقیب مدعیان قرار داشته‌اند. از سوی دیگر، کاروان‌های بزرگی که از محورهای مورد بحث عبور می کردند شکارهای سودمندی بودند و اغلب مورد حمله و چپاول مردم بومی واقع می شدند. روستای تهران در واقع کانون چپاولگران و نهانگاه کالاها دزدیده شده بود و این وضع تا زمان شاه تهماسب صفوی که قزوین را به عنوان پایتخت خود انتخاب نمود ادامه داشت. تهران در برابر حمله افغان‌ها (پشتون‌ها) ایستادگی زیادی کرد و به همین خاطر آن‌ها پس از تصرف تهران این شهر را ویران کردند و باغ‌ها و تاکستان‌های آن را از میان بردند. در زمان نادرشاه تهران دوباره نام و نشانی یافت و در همین شهر بود که نادرشاه رهبران بزرگ شیعه و سنی را گرد هم آورد و پیشنهاد اتحاد اسلامی و رفع اختلاف‌ها را به آن‌ها داد. تا پیش از کشف تمدن قیطره و همچنین کشف آثاری در تپه‌های عباس آباد، گمان می رفت پیشینه تاریخی این شهر به همان آثار یافت شده در حوالی شهر ری محدود می شود، ولی اکتشافات باستان‌شناسی در تپه‌های عباس آباد، بوستان پنجم خیابان پاسداران و دروس، نشان داد تمام آبادی‌های ناحیه تاریخی قصران، دوره‌ای درخشان از استقرار اقوام کهن و خلاقیت‌های فرهنگی را پشت سر گذارده‌اند. در فارسنامه ابن بلخی نیز که مربوط به

سال‌های 500 تا 510 هجری قمری است، از شهر تهران به دلیل انارهای مرغوب یاد شده است. اگرچه در آثار مکتوب کهن از تهران پیش از اسلام نام برده نشده است، اما حفّاری‌های باستان‌شناسی 1321 خورشیدی در روستای درّوس شمیران نشان می‌دهد که در این ناحیه، در هزاره دوم پیش از میلاد، مردمی متملّن زندگی می‌کرده‌اند. تهران در قدیم روستایی نسبتاً بزرگ بود که بین شهر بزرگ و معروف آن زمان، شهر ری و کوهپایه‌های البرز قرار داشت. نخستین بار نام آن در ذکر زندگینامه ابو عبدالله حافظ تهرانی متولد 184 خ. آمده است. پس از حمل مغولان به ری و تخریب این شهر، تهران بیش از پیش رشد یافت و عدّه‌ای از اهالی آواره ری را نیز در خود جای داد و مساحتش در این دوران به 106 هکتار رسیده بود. این منطقه در زمان سلسله صفوی به علّت این که بقعه سید حمزه جدّ اعلای صفویه در نزدیکی حرم شاهزاده عبدالعظیم قرار داشت و تهران نیز دارای باغ‌های خوش آب و هوا بود، مورد توجّه قرار گرفت. نخستین بار، شاه طهماسب اول صفوی در 916 خ. هنگام گذر از تهران باغ و بوستان فراوان این شهر را پسندید و دستور داد تا بارو و خندق به دورش بکشند، این بارو که 114 برج به عدد سوره‌های قرآن و چهار دروازه رو به چهار سوی دنیای پیرامون داشت، از شمال به میدان توپ‌خانه و خیابان سپه، از جنوب به خیابان مولوی، از شرق به خیابان ری و از غرب به خیابان وحدت اسلامی (شاپور) محدود می‌شد، مساحت تهران در این دوران به 440 هکتار رسید. در دوره شاه عباس اول (966 تا 1007 خ.) پل، کاخ و کاروانسراهای زیادی بنا شد، در بخش شمالی برج و باروی شاه تهماسبی، چهارباغ و چنارستانی ساخته شد که بعدها دورش را دیواری کشیدند و به صورت کاخ (کاخ گلستان) و مقرّ حکومتی درآوردند. « دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا)

فهمیدید جاعیلن تا چه اندازه‌های ما را به تمسخر گرفته اند و از تهرانی که تا همین 200 سال پیش اثری نداشته است اسنادی از تاریخ نویسان قرن ششم هجری می‌آورند؟!

اردبیل



این رسامی شهر اردبیل در سال 1828 میلادی، یعنی قریب 180 سال پیش، 220 سال پس از شاه اسماعیل صفوی و 40 سال پس از ظهور آقا محمد خان قاجار است که به صورت یک ستاره ی داود کامل و با مساحت نیمی از دانشگاه تهران دیده می شود. اگر بتوان قبول کرد شاه اسماعیل صفوی از این قلعه کوچک تشیع را در سراسر ایران گسترده و ده ها هزار لشکر برای جنگ با عثمانیان تجهیز کرده، پس می توان پذیرفت آغا محمد خان قاجار هم، احتمالاً از تبریز، با چهل هزار سوار دیگر، به گرجستان تاخته است، که به زودی با رسامی نقشه آن شهر هم آشنا خواهید شد. به هر حال و بنا بر مقیاس ذیل نقشه اردبیل، ضلع بلند شمالی - جنوبی آن، 450 متر و ضلع کوچک شرقی - غربی 350 متر است، که محیط دیوارهای اطراف شهر را به 1600 متر می رساند. کتاب اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار، شرح و توضیح بر این رسامی اردبیل را چنین می آورد:

«بر اساس نقشه سال 1828 میلادی، شهر در محل مسطحی استقرار یافته است. رود بالیخلی چای در محدوده اطراف شهر جریان دارد و بناهای شهری در دو طرف رودخانه استقرار نیافته اند، بل آن ها در سواحل مقابل رودخانه قرار دارند. از این رو اردبیل تا حدودی وضعیت یک جزیره را دارد و از آن جا که محدوده ی شهر بزرگ نیست، سیمای خاصی به شهر بخشیده است... اردبیل بر اساس قواعد فنون جنگی آن زمان ساخته شده است. شکل آن به صورت چهار گوش و پیرامون آن 1.6 کیلو متر است». (هیت مولفین، شهرهای ایرانی در دوره قاجار، ص 43)

این آن اردبیل واقعی است که 180 سال پیش در برابر چشمان نقشه برداران ارتش تزار قرار داشته است. اردبیل های متعدد و مختلف دیگری هم در کتاب های صادره از دانشگاه های کینسه و کلیسایی غرب منعکس است، که آشنایی با آن ها بی فایده نیست:

«اردبیل در زمان اشکانیان و در میان شهرهای آذربایجان جایگاه ویژه ای داشت. نوشته اند قهرمان آذربایجان به نام رهام که از پهلوانان و از نژاد کیان بوده، در این دوره از اردبیل برخاسته بود. به این ترتیب بنای شهر اردبیل را بسیار کهن تر از زمان ساسانی باید دانست... برخی مآخذ بنای اردبیل را به سایر پادشاهان نسبت داده اند. از جمله حمدالله مستوفی آن را به کیخسرو پسر سیاوش منسوب می داند... بلاذری درباره فتح آذربایجان و اردبیل اخبار گوناگون نقل می کند. از جمله این که حذیفه بن یمان با فرمان ولایت آذربایجان از سوی عمر خطاب از نهاوند به اردبیل آمد. مرزبان آذربایجان در اردبیل در مقابل او سپاهی از شهرهای منطقه گرد آورد و چندی به مقاومت پرداخت... سال فتح اردبیل را به تفاوت در 20 و 22 هجری نوشته اند. یعقوبی فتح آذربایجان را در 22 هجری به دست مغیره بن شعبه ثقفی و در زمان خلافت عثمان می داند و خراج آن جا را سالانه کم و بیش چهار میلیون درهم ذکر می کند... اصطخری در 346 قمری اردبیل را هنوز بزرگ ترین شهر آذربایجان و مرکز ولایت می خواند... پس از مدت کوتاهی، در 618 قمری مغولان به اردبیل هجوم آوردند و نه تنها مردم شهر که ساکنان روستاها و شهرک های به قتل رساندند. یاقوت حموی که ظاهراً درست پیش از این روی داد شهر اردبیل را ترک کرده بود، خبر می دهد که میان مغولان و مردم اردبیل سه بار جنگ در گرفت که در دو جنگ اول، به واسطه مقاومت اهالی مغولان کاری از پیش نبردند... شاه اسماعیل صفوی قیام خود را از اردبیل آغاز کرد. او در محرم 905 که هنوز بیش از 13 سال نداشت، با عده ای از پیروان خود به اردبیل آمد... در همین زمان تشیع مذهب رسمی کشور شد، حال آن که پیش از آن مردم اردبیل شافعی مذهب بودند. شاه عباس اول در اواخر شعبان 1014 فرمانی صادر و بر دارالامان بودن اردبیل تاکید کرد». (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفتم، ص 477)

و از این قبیل صدها روایت دیگر که در میان شان گواهی یاقوت حموی که در شهر نبوده، اما نحوه ی دفاع مردم اردبیل در برابر مغولان را شرح داده، از همه مضحک تر است. کاش ممکن بود تا تمام منقولات در باب اردبیل قدیم را که در دائرة المعارف بزرگ اسلامی آمده، به این وبلاگ منتقل کنم تا بنیان اندیشان بدانند چه تل بزرگی از مهملات به صورت کتاب و مولفان دست ساخته را باید به دریا بریزند!

بوشهر

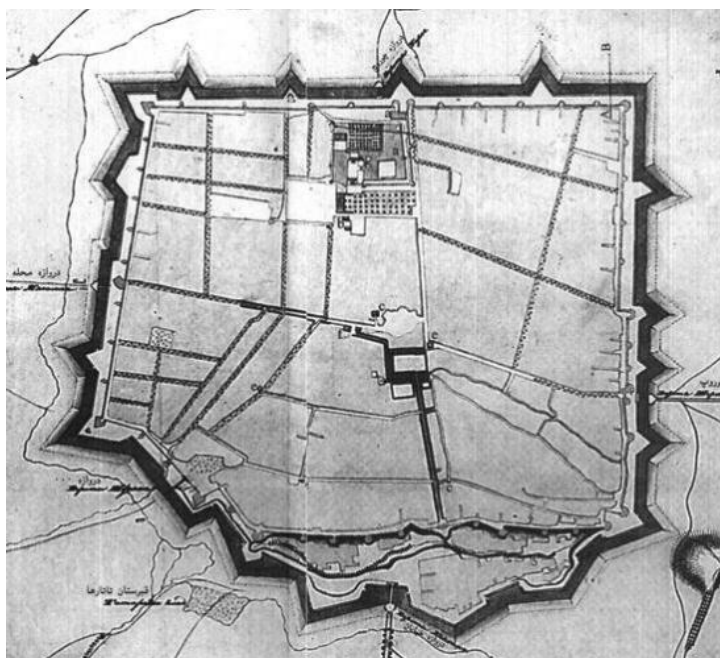


و این هم نقشه بوشهر است با حصار کاملی به دور شهر و مساحت اندکی بیش از نیم کیلومتر مربع. از شگفتی های شهر این که نوشته اند چهار بازار و کلیسا و بازار مخصوص آرامنه دارد، که موقعیت مطلقا بندری آن را توضیح می دهد، با سه مسجد جامع و چهار کاروان سرا و بدون حمام که در نبود آب در شهر چندان غریب نیست و شرحی بر آن با مطالب زیر:

«ما نقشه تفصیلی بندر بوشهر متعلق به سال 1850 میلادی که توسط سروان پروسکوریاکوف تهیه شده را در دسترس داریم. به سختی می توان گفت که از دوره نادر شاه چه عناصری باقی مانده اند. اما ویژگی طراحی شهرهای خاص ایران در این نقشه آشکار است. طرح مستطیل شکل شهر با دیوارهایی رفاهی از آجر پخته محصور شده است... شهر با 1000 نفر جمعیت به شش محله تقسیم شده است. چهار بازار عمده مرکز محله ها را شکل می دهد که تمامی آن ها در جهت ساختار طراحی شهر در یک نظام واحد منطبق اند. مرکز شهر از میانه محله های شرقی به صورت بازاری به طول 500 متر به موازات دیوارهای دفاعی و عمود بر لبه ساحل آغاز می شود...». (هیأت مولفین، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، ص 65)

باور این که شهری با هزار جمعیت به چند کاروان سرا و مسجد جامع محتاج شده باشد، تنها در صورتی قابل قبول است که بوشهر را گذرگاه و بندری برای مبادله کالا با ساکنانی موقت قبول کنیم. اگر دقت کنید باز در گوشه ای از تصویر شما ارک کوچک را می بینید و قسمت روبه دریای این منطقه پر است از مزارع کاشت محصولات کشاورزی!

خوی



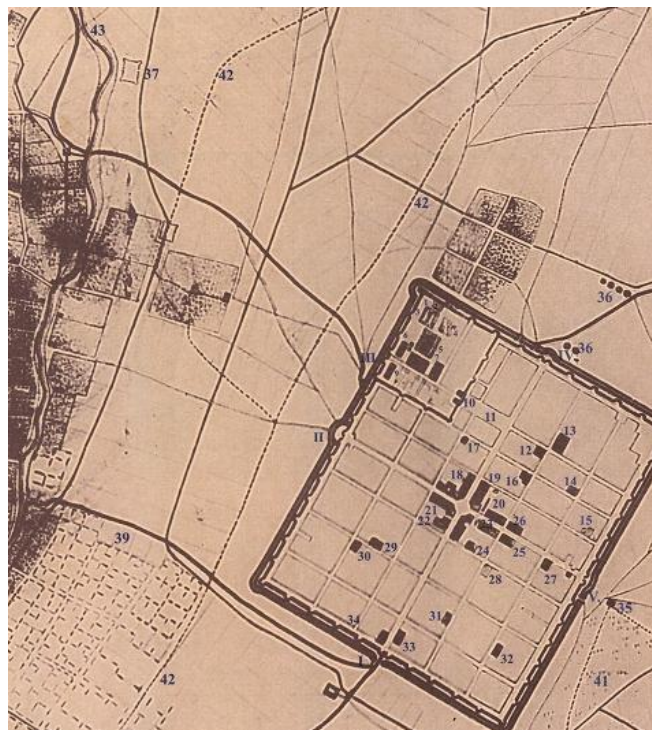
این هم نقشه ی شهر خوی در سال 1828، قریب 180 سال پیش، که باز هم به صورت قلعه ساخته اند. یک زمین غیر مسکون دیوار کشیده با طول 1200 و عرض 1000 متر که فقط گوشه کوچکی از آن، با نام کاخ ولی عهد، خانه امیر ارسلان، اسلحه خانه، مسجد و نیل فروشی، کشت و زرع نشده است. این پایه ریزی خوی اولیه است که ملاحظات توسعه بعدی را در آن رعایت کرده اند. ذکر محوطه ای در سمت چپ پایین نقشه به عنوان «قبرستان تاتارها»، در حالی که یک قبرستان غیر تاتاری هم در شمال نقشه آمده، به کلی موضوع را پیچیده می کند، مگر این که بخشی از آن چند ساکن معدود دارای سرپناه در رسامی را از تاتارها بدانیم. کتاب نقشه شهرهای ایران در عهد قاجار بر این قلعه شرحی شنیدنی دارد که احتمالاً از رویایی خیالی و بدون مراجعه به رسامی استخراج کرده اند!

«طرح کلی قلعه خوی را می توان مربع نامید که بیانگر سیمای هنر دفاعی اروپایی هاست. قلعه در زمینی مسطح احداث شده و به واسطه دیوارهای خشتی گسترده و مرتفع محصور شده است. خط دفاعی قلعه به بارو مجهز است. یک چنین استحکامی دفاع از قلعه را میسر می کند. در پشت اولین خط دفاعی دیوار قلعه قرار دارد که محل پیرامون آن مجهز به برج دفاعی با شکل دایره است. هنگامی که گاردان به عنوان یک مهندس نظامی طرح قلعه را تهیه می کرد، به ویژگی های محلی استحکامات توجه داشته و از روش های هنر نظامی اروپایی با هدف تقویت و اعتلای توان های دفاعی قلعه خوی سود جسته است. در اثنای جنگ 1827 میلادی، سربازان روسی این فرصت را به دست آوردند که در دوازدهم ماه دسامبر، نقشه پایه قلعه خوی را تهیه کنند و به این ترتیب این نقشه امروز به دست ما رسیده است.» (هیئت مولفین، اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار، ص 38)

آدمی حیرت زده می ماند که شاید سربازان روس در سال 1827 میلادی، در این خوی که رسامی اش را می بینید، با اشباح می جنگیده اند! چنان که ژنرال گاردان در داستان های موجود، یک افسر اعزامی از سوی ناپلئون به ایران برای تقویت قدرت دفاعی، ساخت اسلحه آتشین و نیز تربیت نظامیان ناپیدای ارتش قاجاری در سال 1807 میلادی است. ظاهراً این ژنرال بیرون جهیده از دروان قصه های تاریخی متعارف ما، می دانسته که کشور ایران

مقدم بر توپ، محتاج شهر و جمعیت بوده و به همین دلیل بر سیل روایت کتاب، ابتدا قلعه ی خوی را پایه گذاری کرده است! آیا قوم پرستان لازم نمی بیند که پیش از هر ادعایی تکلیف خود را با این اسناد و نقشه و منقولات معین کنند؟!

اراک



این نقشه شهر اراک در 160 سال پیش و 1851 میلادی و بنا به مقیاس، مستطیلی به طول و عرض 750 در 650 متر است. می گویند این شهر را فتح علی شاه ساخته که در تهران خانه نداشته و شکر خدا در منابع رسمی موجود هم، عمر بنای شهر اراک را بیش از 200 سال نمی دانند. احتمالاً فتح علی شاه می دانسته که پیش شرط برخاستن و رویش دو سمبل سیاسی و فرهنگی بلند آوازه ی ایران، ساختن شهر اراک بوده است، تا 235 سال پیش، در این شهر 200 ساله قائم مقام فراهانی و 205 سال پیش، امیر کبیر متولد شوند!!؟ کتاب در شرح نقشه و مناسب با اعداد آن می آورد:

1. آینه خانه. 2. برج قلعه فرنگی. 3. اندرون امیر. 4. حوض خانه. 5. دیوان خانه. 6. تالار کرنا خانه. 7. وزیر خانه. 8. مسجد اراک. 9. سرطویه. 10. دروازه اراک. 11. میدان دروازه اراک. 12. مسجد و آب انبار کربلایی حسن. 13 و 15 و 21 و 24 و 28 و 29 و 32 و 33 حمام، 14 و 16 و 17 و 20 و 27 و 30 و 31 و 34 مسجد، 18 و 22 و 23 کاروان سرا و علامات و ارقام بیرون شهر نیز یخچال و کوره و ده و قبرستان و خرابه دستگرد است، تا از این مجرا بدانیم که شهر حمام و مسجد و آب انبار هم می خواهد. با این همه شرح کتاب بر شهر اراک را نیز خواندنی است.

«نقشه شهر سلطان آباد (اراک) (سال 1851 م.): سلطان آباد توسط فتحعلی شاه بنا نهاده شد، اما شکل گیری کامل آن در زمان ناصرالدین شاه (1848-1896 م.) صورت پذیرفت. ناگفته نماند که بناهای مذهبی عمده شهر و دیوارهای دفاعی آن در عصر محمدشاه (1848-1834 م.) ساخته شده است. سلطان آباد یا شهر نو، در مکان کاملاً همواری و بر کناره راست رودخانه آب روداب و در فاصله 640 متری آن استقرار یافته و به شکل یک مستطیل منظم با دیوارهای بلند از آجر نپخته احداث گردیده است. طول شهر از حد جنوب غربی تا شمال شرقی 740 متر و پهنای آن از جنوب شرقی تا شمال غربی 640 متر است. خیابان های شهر بر مبنای یک نظام مستطیل شکل، آن را به 48 بخش تقسیم می نمایند و شهر دارای تقاطع و حوزه های مختلفی است. تمامی خیابان ها به دیوارهای دفاعی منتهی می شود. دو خیابان پهن

مرکزی که با زاویه قائمه همدیگر را قطع می نمایند، شهر را به 4 بخش مساوی تقسیم می کنند. مرکز تجاری شهر که در امتداد خیابان ها و از دیواره ای تا دیواره های دیگر بسط یافته، در نقاط متقاطع این خیابان ها مستقر شده است. چنین شکل طراحی شهر پدیده ای نوین به شمار نمی رود. این نوع طرح قبلا نیز در طراحی شهرهای ایران به کار رفته است. این مطلب که چرا طراحی سلطان آباد در زمان فتحعلی شاه به وجود آمده، یک پدیده اتفاقی نیست، بلکه کاملا هم طبیعی است. زیرا یک چنین اصول طراحی قبلا نیز برای ساخت باغ ها مورد استفاده داشته است. اگر شهرهای تاریخی و باستانی ایران از نظر طراحی به نحوی دارای خصیصه نامنظم هستند، این پدیده در طی قرون متمادی و به لحاظ تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی صورت پذیرفته است. ارک در گوشه جنوب غربی، ساختار طراحی مستطیل شکل سلطان آباد استقرار یافته است. ارک به واسطه دیوارهای خود محصور شده است. ارک بخش اساسی تمامی شهرهای کشور محسوب می شود و جایگاه آن بسته به موقعیت استراتژیک محل است. با توجه به موقعیت شهر، ارک موقعیت مسلطی را به خود تخصیص می دهد تا بتواند جمعیت شهر و اطراف آن را در اطاعت نگهدارد. بیرون از دیوارهای دفاعی سلطان آباد، یخچال ها، کوره ها، خرابه های قلعه سلیم، روستای ترمذ، خرابه روستای دستگرد، کاروانسرای جعفرخان، گورستان، کانال های زیرزمینی آب که آب مشروب و مورد نیاز زندگی مردم شهر را فراهم می آورند، رودخانه رودآب و شوره زارها قرار دارند. نقشه تفصیلی سلطان آباد که توسط پروسکوریاکف و اوکرانوویچ تحت راهنمایی ستاد کل سرهنگ چیریکف در سال 1851 م. تهیه شده، امروزه ما آن را به عنوان یک سند طراحی شهری مورد استفاده قرار می دهیم. این سند، ساختار طراحی وضعیت آن را به هنگامی که به تازگی در زمان محمد شاه و سپس ناصرالدین شاه شکل گرفته بود، ثبت نموده است.» (هیأت مولفین، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، ص 56)

اما کسی به روی خود نمی آورد که دهه هایی مقدم بر آغاز تولید این شهر تازه ساز، نمی توان در آن قائم مقام و امیرکبیر به دنیا آورد!
«مثل الذین اتخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتخذت بیئا و ان اوهن البیوت لیبیت العنکبوت لو كانوا یعلمون. آنان که دون خداوند را به سروری اختیار می کنند، مانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای می تند، که سست ترین خانه هاست، اگر بدانند.» (عنکبوت، 41)

همدان



این نقشه شهر همدان در قریب 160 سال پیش است با شرح کوتاه زیر، در باب موقعیت جغرافیایی آن. عرصه پهناوری از دشت و دمن و زمین های زراعتی، که گرداگرد کم تر از صد خانه ای را در محاصره دارد که در نقشه به صورت مربع و مستطیل های سیاه علامت خورده است.

«نقشه مشروح شهر همدان: برداشته شده به کمک وسایل اندازه گیری و قدم، به وسیله دسته نقشه برداران ستاد پرسکوریاکف و ستوان سوم نوگرانویچ تحت رهبری افسر ستاد کل سرهنگ چیریکیف سال 1851 م. توصیف نقشه: شهر همدان با مختصات جغرافیایی 34 درجه و 47 دقیقه و 46 ثانیه عرض شمالی و 48 درجه و 20 دقیقه و صفر ثانیه طول شرقی از گرینویچ، در نزدیکی کوه های الوند قرار دارد. قله های مخروطی شکل الوند در بیش تر ایام سال پوشیده از برف است و این برف ذخیره ای پایان ناپذیر، برای چشمه ها و سیلاب های بی شمار می باشد، آب این چشمه ها و رودخانه ها برای آبیاری مزارع وسیع و پر محصول گندم و باغ های میوه و تاکستان ها مورد استفاده قرار می گیرد. موقعیت عالی این شهر که بر سر راه های کاروانرو و بازرگانی پایتخت های قدیمی و جدید جنوبی، اصفهان و تهران قرار دارد و همچنین بر سر راه ترکیه و شهرهای بازرگانی آن، بغداد، بصره، موصل دیار بکر و شهرهای دیگر واقع است آن را به یکی از شهرهای مهم ایران چه از لحاظ اداری و چه از لحاظ بازرگانی مبدل ساخته است. اقلیم سالم و محصولات فراوان جو، برنج، گندم، انواع انگور و میوه در همدان بازرگانی آن را رسماً پیشرفت می دهد و فراوانی و ارزانی مایحتاج زندگی را تامین می نماید و شهر را به یکی از بهترین مراکز جمع آوری پول برای دولت درمی آورد. شهر همدان بنا به تحقیقات علمی بسیاری از دانشمندان تا حدودی بر روی خرابه های شهر باستانی اکباتان بنا شده است. در شهر چند جریان آب جاری است که مهم ترین آن ها آب مرادیکیک است که شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می کند در بخش شرقی شهر در برخی از نقاط دیوارهای خشتی باقی مانده از دوران قدیم وجود دارد و در جنوب شرقی شهر نیز بر روی تپه کم ارتفاعی آثار دیوارهایی با برج های به شکل مستطیل دیده می شود که اهالی آن را قلعه مصلا می نامند. از این قلعه به طرف جنوب آثار خرابه های باستانی وجود دارد که پس از بارندگی های شدید اهالی در آن جا اشیاء فلزی و سکه های شاهان ایران و اسکندر مقدونی را پیدا می کنند. دانشمندان تا امروز این ناحیه را با ثروت سکه هایش اکباتان می نامند. طول شهر از جنوب خاوری به شمال باختری که طویل ترین بخش شهر است برابر است با ... (کذا) و عرض آن در عریض ترین بخش 2 کیلومتر و 333 متر است. در اداره پلیس، شهر به شش محله تقسیم می شود با اسامی زیرین: محله بنه بازار، محله جولان، محله درد آباد، محله مهتران، محله ورمزیاد و محله میدآباد یا مجد آباد. 9 هزار و 500 خانه در شهر وجود دارد. از آن ها **300 خانه متعلق به یهودیان و 23 خانه متعلق به ارمنی ها** است. تعداد سکنه شهر به 40 هزار می رسد که عبارتند از **ایرانی ها، کردها، ارمنی ها، یهودیان و تعدادی از اروپاییان** که به کارهای سیاسی و بازرگانی اشتغال دارند». (هیئت مولفان، اسناد تصویری شهرهای ایران در دوران قاجار، ص 153)

حتی کلامی از این شرح، با نمودارهای مندرج در نقشه منطبق نیست و معلوم است شارح نقشه مطلب چندانی از موقعیت منطقه نمی داند و مشغول بازخوانی متون نامربوطی است که می کوشد از همدان 160 سال پیش، اکباتان هرودوتی را بیرون آورد. در کتاب «تصویری از شهرهای ایران در دوران قاجار» شارحین نقشه ها معرفی نشده اند ولی در باب همدان و قرار دادن آن بر سر چهار راه ثروت، آن گاه که می دانیم در زمان رسامی این نقشه، تهران هنوز موقعیت و امکانات اسکان را ندارد و از اصفهان چنان که در توضیحات ادامه روشن خواهد شد، جز بیشه زاری خالی مانده و بی نشان قابل شناسایی نیست، اطلاعات شارح مطلقاً فاقد ارزش رجوع است، به خصوص که از اداره پلیس شهر همدان می گوید و ساکنان آن را ایرانی ها و کردها و یهودیان و اروپائینی شناسایی می کند که در همدان مشغول کارهای سیاسی اند!!! آیا در نظر شارح این متن منظور از ایرانی ها در متن بالا چه کسان اند!؟

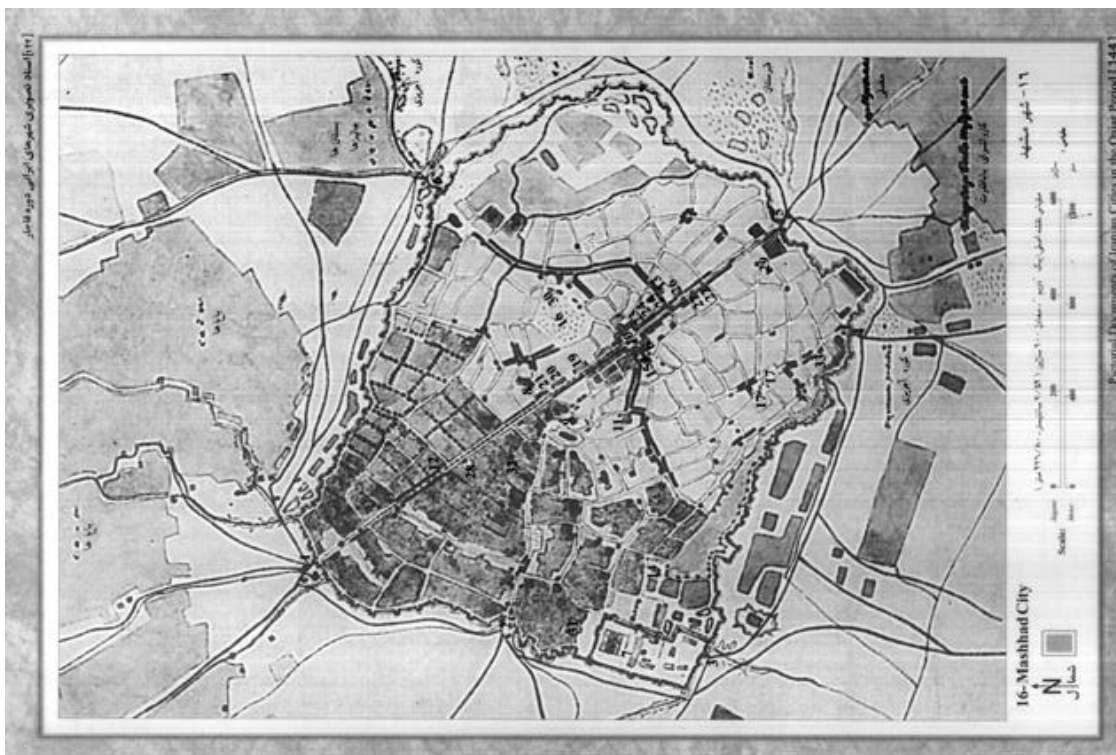
آرامگاه یا بُقعه اِسْتِر و مردخای جزء مهم ترین زیارتگاه های یهودیان ایران و جهان است. این مقبره جزء آثار میراث فرهنگی ایران ثبت شده است.

وجود این زیارتگاه، عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم حضور جامعه یهودی در همدان بوده‌است. مقبره استر و مردخای در مرکز شهر همدان، ابتدای خیابان دکتر شریعتی قرار دارد.



اگر از ابتدا یادداشت‌ها را دنبال کرده باشید دانسته‌اید که استر و مردخای از نظر تورات‌های جدید عاملین قتل عام تمدن برانداز پوریم بوده‌اند و زمانی که جمعیت یهودیان آن شهر را قابل توجه می‌بینیم، با وجود اینکه آمارهای گفته شده در این کتاب قابل قبول نیست و جمعیت یهودیان و آرامنه در تمامی شهرهای ایران در اکثریت بوده‌اند می‌توان دلیل بنای این مقبره در شهر همدان را دانست. گرچه خود این مقبره نیز نوساز می‌باشد و قدمتی بیش از 150 سال نمی‌تواند داشته باشد.

مشهد



و این هم نقشه و فضای عمومی و حاشیه شهر مشهد که درست ۱۵۰ سال پیش به وسیله مساحان روس تدارک شده است. در این جا نیز جز کرت بندی های جالبی چیز دیگری دیده نمی شود و مختصر نشان تحرک و تمرکز در اطراف بارگاه امام هشتم متمرکز است.

«نقشه شهر مشهد: نقشه برداری شده در سال ۱۸۵۸ م. مقیاس نقشه اصلی: یک دوم معادل ۲۰۰ ساژن، توسط نقشه بردار ژارینف برداشت و ترسیم شده است. توضیحات نقشه: ۱. دروازه بالاخانه. ۲. دروازه پادیوار. ۳. دروازه ارک. ۴. دروازه سراب. ۵. دروازه پائین خیابان. ۶. دروازه نوغان. ۷. ارک. ۸. خانه قوام الدوله. ۹. خانه خان نایب. ۱۰. مسجد صحن و مقبره امام رضا. ۱۱. مسجد شاه. ۱۲. مسجد شاه عباس و پشت آن محلی که مقبره نادرشاه در آن جا بود. ۱۳. مقبره پیر پالان دوز. ۱۴. مقبره شیخ مومن. ۱۵. مسجد گوهرشاد. ۱۶. قبرستان قتلگاه. ۱۷. قبرستان عیدگاه. ۱۸. مدرسه فاضل خان (یا فیضیل خان). ۱۹. مدرسه حاجی حسن. ۲۰. مدرسه محمد باقر. ۲۱. مدرسه نایب. ۲۲. مدرسه عباسقلی خان. ۲۳. کاروانسرای وردی خان. ۲۴. کاروانسرای امام جمعه. ۲۵. کاروانسرای دارالظفر. ۲۶. کاروانسرای ازبک. ۲۷. گمرک. ۲۸. ایستگاه گمرک. ۲۹. کارگاه شال. ۳۰. کارخانه شیشه سازی. ۳۱. باغ امام جمعه. ۳۲. باغ آصف الدوله. ۳۳. باغ سالار. a. گنبد طلا. b. مناره های طلا. c. قراول خانه. d. بازارها.» (اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار، ص ۱۴۲).

نصف جهان



اینک آن ناقوس بد صدای دروغ را، که در جای آوای مکتوبات ادوار گوناگون آدمی، به هر مناسبت با هیاهوی فراوان به صدا درآورده اند، تنها برابر یک سؤال بنیانی، چون جرسی بر گردن خود می یابند، از بیم رسوایی عام در پستوی خانه پناه گرفته اند. این برهوت عریض که از کرت های در انتظار کاشت خربزه مملو است، نقشه صاحب شناسه ترین شهر ایران، در ۱۶۰ سال پیش است، با شروحنی که بیان تاریخ آن از سوی بنیان اندیشان را تایید می کند.

«نقشه شهر اصفهان (سال ۱۸۵۱ م.): نقشه های پایه ای اصفهان در نیمه اول قرن نوزدهم تاکنون به دست نیامده است. این چنین نقشه ها می توانند فرصت بررسی مراحل توسعه محدوده شهر را در ادوار اولیه تاریخ آن شهر فراهم آورند. با این حال، دو نقشه پایه از شهر موجود

است: یکی نقشه تفصیلی اصفهان که به وسیله سروان پروسکوریاکف و اگرانویچ از نقشه برداران سپاه روسیه تحت راهنمایی سرهنگ چیرکف در سال 1851 م. تهیه شده است و دیگری نقشه اصفهان که توسط معمار فرانسوی، پاسکال کست در سال 1867 م. در پاریس انتشار یافته است. چه در نیمه دوم قرن هیجدهم و هم در نیمه اول قرن نوزدهم، اندازه برداری دقیقی از نقشه‌های معماری اصفهان صورت نگرفته است. با این حال، نقشه‌های موجود به عنوان منابع قابل اعتماد، برای تجزیه و تحلیل نظام برنامه ریزی شهر می‌توانند مورد استفاده واقع شوند. نقشه سال 1851 م، ساختار طرح شهر را به صورت جامع عرضه می‌دارد و شامل تمام محدوده شهر با ساختمان‌ها، باغ‌ها، مزارع و روستاهای اطراف آن است. توپوگرافی تاریخی شهر، عملکردهای آن را کاملاً روشن می‌سازد و بر مبنای آن می‌توان ویژگی‌های طرح نواحی مختلف، قسمت‌های تجاری و مسکونی را تشخیص داد. در این قسمت‌ها نظام پیچیده منشعب از نظام بازار، حوزه‌های اداری - عمومی، نظام ساختمان‌های استحکاماتی، فضای سبز و غیره مشهود است. رودخانه زنده رود با سواحل شیب دار و پر پیچ و خم خود که از سمت شرق به غرب شهر می‌گذرد، شهر را به دو قسمت نامساوی تقسیم می‌کند: قسمت شمالی و قسمت جنوبی، بخش شمالی بسیار قدیمی است و حوزه فعال شهر به شمار می‌رود. این بخش متشکل از قسمت‌های زیر است: قلعه محمود اشرف، قلعه کوچک طبرک و اردک نارین قلعه واقع در درون قلعه طبرک. قلعه محمود اشرف در بخش مرکزی شهر واقع است. اطراف قلعه را دیوارها و برج‌های سنگی احاطه نموده که با شکستگی و برآمدگی‌های خود از منحنی ترازهای توپوگرافی تاریخی محدوده شهر تبعیت می‌کند. در شهر، ساختمان‌های قصر، باغ‌ها، میدان‌های بزرگ، مساجد و بازار سرپوشیده وجود دارد. این بخش از شهر، به قلعه طبرک که در زمان سلاجقه بزرگ ساخته شده است، متصل می‌شود. نظام ساختمان‌های دفاعی شهر بر اساس قلعه طبرک استوار گردیده که موقعیت مسلطی را در محدوده‌ی شهر احراز کرده است. این قلعه در عین حالی که نقطه استراتژیکی را در محدوده این شهر بزرگ به خود اختصاص داده است. راه‌های ورودی به شهر را نیز کنترل می‌نموده است. خیابان‌ها، بخش مرکزی شهر را به یکدیگر متصل می‌سازند و از طریق آن‌ها، حوزه‌ی مسکونی شهر که مشتمل بر چهل محله است، به قلعه سوق داده می‌شوند. تا سال 1850 م. ده تا از این محله‌ها در حال ویرانی بوده‌اند. پس از اشغال بخش شمالی شهر توسط افغانه که با دیوارهای قلعه محصور شده بود و از دروازه‌های زیادی با بیرون شهر ارتباط داشت، به علت آن که معماری این بخش از نقطه نظر مسکونی اهمیت زیادی داشت، مورد توجه وافر قرار گرفت. بر روی نقشه پایه‌ای سال 1851 م، این نکته قابل توجه است که وضعیت طرح شهر نسبت به دوره صفوی (1722 م)، بدون تغییر باقی مانده است، به نحوی که مکان‌ها و اسامی ساختمان‌های عمده، معابر، باغ‌ها و دیگر ویژگی‌های شهر آن دوره را می‌توان آشکار ساخت. مجموعه قصرها همراه با خیابان‌های چهار باغ، مرکز اجتماعی و اداری شهر را شکل می‌دهند و به وضوح هستی خود را در بناها و باغ‌های اطراف عرضه می‌دارند که شاخصی برای معماری و هنر باغ‌سازی به شمار می‌روند. از نقشه سال 1851 م. می‌توان دریافت که در مجموعه قصرها چه اجزایی وجود داشته است. تنوع این اجزاء با تفسیرهای مربوطه، نحوه استقرار کلاه فرنگی یا بناهای دیگر که دارای حیاط مرکزی هستند، طراحی بسیار بدیعی را آشکار می‌سازند که در ساختار فضایی حجمی کل محدوده‌ی شهر وجود دارد. مجموعه قصرها، در صورت فقدان چهار باغ به عنوان محور شهرسازی، از اهمیتی آن چنان در ساختار طرح مرکز شهر، برخوردار نیست. چهار باغ دقیقاً رشته هماهنگ‌کننده نهایی طرح جدید شهر محسوب می‌گردد. نقشه سال 1851 م. این امر را به اثبات می‌رساند. در امتداد هر دو سوی خیابان چهار باغ، امین آباد، باغ‌ها همراه با قصرها و کلاه فرنگی‌ها مستقر هستند. بر مبنای نقشه سال 1851 م، در ساختار نقشه شهر، جهات اصلی و معین توسعه شهر، یعنی مرکز شهر و راه‌های اصلی آن، خیابان‌ها و قصرها آشکار می‌شود. تمامی این عناصر در منتهی‌الیه جنوبی کناره‌های شمالی مجموعه قصر استقرار یافته‌اند. یک محدوده‌ی بزرگ از حوزه مسکونی شهر با خیابان‌های پرپیچ و خم که از مرکز به دروازه‌های مختلف شهر منتهی می‌شود، و نقش ویژه‌ای را در طرح شهر ایفا می‌نماید. مراکز محله‌ها با بناهای مذهبی، حمام‌ها، دکان‌ها و یخچال‌ها در این منطقه واقع شده‌اند. نقشه سال 1851 م، از آن جهت که بر روی آن تمامی مراحل توسعه اصفهان به عنوان پایتخت قبلی منعکس شده، دارای اهمیت تاریخی است.» (هیئت مولفین، اسنادتصویری شهرهای ایران دوره قاجار، ص 58)

این متن که برابر معمول به طور دقیق نمی‌توان شارح آن را معین کرد، به درک سازمان شهری اصفهان کمک نمی‌کند و ادعاهایی که در دنبال آن می‌آید، با نقشه مطابقت ندارد.



این توصیفات بخش شمالی اصفهان به تصویر بالا مرتبط است که تنها علامت آشنای آن میدان نقش جهان و چند بنای اطراف آن است. آن چه را که از رسامی نقشه می‌توان بیرون کشید، این حقیقت عریان است که در حول و حوش میدان نقش جهان جز کرت بندی برای عمل آوردن صیفی و سبزیجات فضای غیر طبیعی دیگری نیست. اما شارح رسامی برای این قسمت از اصفهان اغراق‌های بی‌مهراری رها کرده است.

«مسجد داخل و بیرون از بخش شمالی به یکصد باب می‌رسد. عالی‌ترین آن‌ها به قرار زیر است: مسجد شاه عباس. مسجد شیخ لطف‌الله. مسجد صدر. مسجد حاجی ابوالحسن. مسجد شیخ علی خان. مسجد حاجی امان‌الله. مسجد الچی. مسجد جعفری. مسجد بولاب. مسجد حاجی محمد سعید. مسجد علی. مسجد ذوالفقار. مسجد و مناره حاجی عالم. مسجد حاجی محمد بک. مسجد حاجی سعید. مسجد جامع جلفا. مسجد مادرشاه. مسجد ابریون. مسجد مقصود. مسجد قابولیان. مسجد چهل دختر. مسجد مناره دارزیار. مسجد کوچه‌ها - کوکو. مسجد منار ساریان. مسجد مهران. مسجد تخم چی یا طوقچی. مسجد حاجی بر. مسجد میرزا باقر. مسجد پاشا. مسجد مناره چهل دختران. مسجد حاجی محمد جعفرآباد. مسجد جروسی. مسجد آقانور. مسجد قیصری. مسجد عموچماق اوغلی. مسجد جفت منار عموچماق اوغلی. مسجد خاکی کوریلا. مسجد حاجی محمد ابراهیم و دهکده لوشکی. مسجد حاجی آقا محمد. مسجد کوچک. مسجد چولون ابراهیم. مسجد آقا. مسجد ذکرالله. مسجد یوفراگان باشی شاه عباس. مسجد ضیاءالله. مسجد حمزه بک. مسجد سید. مسجد مریم بگوم. مسجد محله نو. مسجد قطبی. مسجد خیابان کیشک. مسجد چهارسو. مسجد علیقلی آقا یا شمس آباد. مسجد حاجی قدم معمار. مسجد لبنان الیارون. مسجد سرو. مسجد چهارسو بزرگ. مسجد بید آباد. مسجد شاه زیاد. در اکثر این مساجد و مساجد دیگر مدرسه نیز وجود دارد.

مقبره های زیارتی که بر مزار بزرگان مذهبی ایجاد گشته تعدادشان به 30 مقبره می رسد که مهمترین آن ها عبارتند از: مقبره امامزاده احمد. مقبره امام شیخ یوسف. مقبره شاه زید. امامزاده میرزاد. امامزاده دالبتی. مقبره هارون. امامزاده بابا قاسم. امامزاده اسماعیل آباد. امامزاده حسین. امامزاده شاه میر حمزه. امامزاده حاجی صدرالدین. امامزاده ایسنحال... امامزاده کبیر آقا. مقبره شاهزاده خاتون. امامزاده ابراهیم. امامزاده سید فاطمه، سنی فاطمه. امامزاده دو برادر. مقبره فردون. امامزاده اسماعیل و مقبره های دیگر. مدرسه ها برای تربیت مدرسین و قاضی ها و مکتب برای تعلیم خواندن و نوشتن کودکان. از مدرسه ها و مکتب های بسیار مهم: مدرسه صدر چهار باغ (مدرسه عالی روحانی). مدرسه بشیر. مدرسه علیقلی آقا. مدرسه لیمان. مکتب تقی. مکتب. مکتب. مدرسه شاه زند. مکتب. مدرسه میرزا مهدی. مدرسه شاهان (یا شهشهان). مکتب دوپله. مدرسه نیم آور. مکتب جده. مکتب قاسم. مدرسه مبارکه. مدرسه جمالیه. مدرسه عالمانیه. مدرسه مریم بگوم. مدرسه خواجه. مدرسه هفت. مکتب و بسیاری دیگر. (هیئت مولفین، اسنادتصویری شهرهای ایران دوره قاجار، ص ۱۸۲)

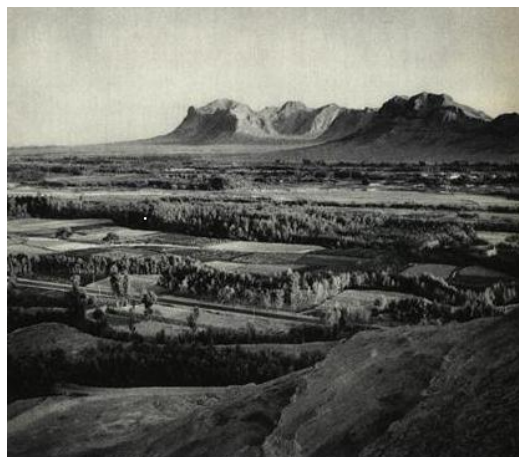
تمام مطالب بالا در مقایسه با داده های نقشه، جز الفاظ نیست، چنان که در سراسر شهر اصفهان امروز هم، از کهنه و نو، صد مسجد به جای نمی یابیم. حالا زمان حصه جنوبی اصفهان، با نام جلفا است که نظیر همین مشهودات ذهنی را در آن پیاده کنند.



2. بخش جنوبی که جلفا قسمت اصلی آن را تشکیل می دهد. این بخش دارای چندین کلیسا است که تعدادی از آن ها اکنون ویران گشته و نیز دارای تعدادی دیر، (صومعه) با آموزشگاه است. در این بخش همچنین تعدادی کاخ بیرون شهری با باغ و استخر و بناهایی ویران به نام شاه عباس کبیر و برج های زیبا برای کبوتران موجود است. در این بخش کانال ها، نهرها، لوله های آب برای فواره ها و آبیاری گندم زارها وجود دارند. سیاح مشهور، شاردن موقعیت جغرافیایی اصفهان را 32 درجه و 40 دقیقه عرض شمالی و 69 درجه و 18 دقیقه طول شرقی از پاریس و بلندترین روز آن را 14 ساعت و 9 دقیقه و 26 ثانیه تعیین کرده است. اما به نظر می رسد این ارقام تقریبی باشد. زیرا طبق محاسبات دیگری، اصفهان در 32 درجه و 24 دقیقه و 34 ثانیه عرض شمالی و 49 درجه و 39 ثانیه طول شرقی از پاریس قرار دارد. بر پایه نوشته های حاجی میرزا محمد علی در سال 1825 م، تعداد خانه های اصفهان در هر دو بخش شهر به 17 هزار و 880 باب می رسیده و تعداد سکنه شهر به استثنای افراد قشون 89 هزار و 400 نفر بوده است. در بخش شمالی 14 هزار باب خانه و 75 هزار نفر سکنه وجود داشته است که 125 باب خانه متعلق به یک هزار نفر یهودی بوده است. در بخش جنوبی نیز 3 هزار و 880 باب خانه متعلق به ارمنیان با جمعیت 10 هزار و 400 نفر بوده و یک هزار و هشتاد باب خانه متعلق به ایرانیان با جمعیت 4

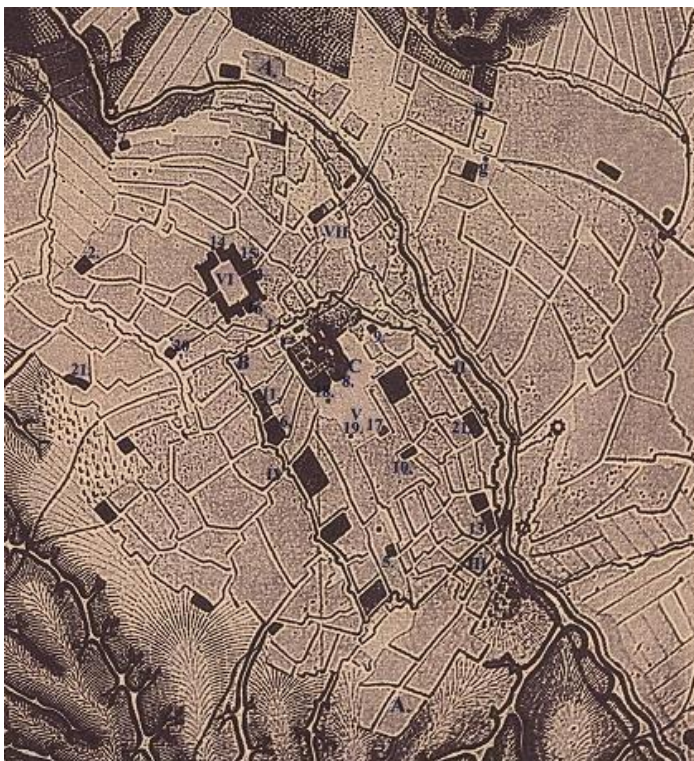
هزار نفر بوده است. اما به نظر می‌رسد که در این نوشته مبالغه شده باشد. اروپاییان که در سال‌های اخیر از اصفهان دیدن کرده‌اند جمعیت آن را 70 هزار نفر تخمین زده‌اند. در حالی که در سده‌ی هفدهم بیش از 70 هزار نفر بوده است. مذهب حاکم در شهر شیعه اثنی عشری است و ادیان دیگر مسیحی (ارمنی‌ها) و یهودیان هستند. اسامی محله‌های جلفا از این قرار است: محله نظر. محله کاینون. محله کوچه چاری زاری. محله پورت وانیس و یا شیرخانه. محله میدان یاجوزی. محله جویره. محله چهارسو. محله قراگل. محله سنگ تراشان. محله تبریزی‌ها. محله **ایروان**. محله سیرون. محله چهارباغ بال. محله حسین آباد. محله سیچان بالا. محله سیچان پایین. سه میدان بزرگ آن عبارتند از: میدان جلفا. میدان مارنون. میدان کاینون. جلفا 16 دروازه دارد: **دروازه جلفا**. دروازه ایروان. دروازه مارنون. دروازه نجف. دروازه بالا ایروان. دروازه عباس آباد. دروازه سنگ تراشان. دروازه مزارستان. دروازه چهارسو. دروازه شاری آلان. دروازه سیچان. دروازه بالا سیچان. دروازه لنجان. دروازه تخت فولاد. دروازه شیرازیان. بناها و ساختمان‌های گوناگون مانند **کلیساهای صومعه‌ها**، مسجدها، زیارتگاه‌ها، حمام‌ها، کاخ‌ها، باغ‌ها، برج‌ها، کانال‌ها و جوی مارنون. آسیاب. خرابه مارنون. باغچه. خرابه مسجد. **خرابه کلیسای آرامنه**. **حمام آرامنه**. مقبره شاهزاده محمد. برج کبوتدخان. خرابه کلیسای بغوس. خرابه کلیسای ونکی. کلیسای گنورکی مقدس. قصر خرابه. **خرابه کلیسای آرامنه**. **خرابه کلیسای زنگی**. باغ. کهریز. **کلیسای مریم مقدس**. **کلیسای میدان**. خرابه کاروانسرا. (**کلیسای وانک**) دارای آموزشگاه. **کلیسای گریگوری** کلیسای ارمنی به نام گریگوری مقدس. **مدرسه ارمنی**. **کلیسای ارمنی استفانوس**. **کلیسای ارمنی جرسی**. **کلیسای اوگاینف وان**. مسجد خرابه کاینون. **کلیسای آرمانا**. حمام قلعه میرزا صادق. قلعه میرزا صادق (با 15 خانوار ایرانی). امامزاده عزت. مسجد حسین آباد. حمام. حمام چهارباغ. مسجد چهارباغ. حمام. خانه سهام الدوله (از دولتمردان) خانه سابق کمیسار روس. خانه میرزا داودخان. حمام. **کلیسای ارمنی اشنورخالی**. **کلیسای وانک** دیر ارمنی کاتولیکی زنانه. **کلیسای ناکانس**. حمام چهارسو. **کلیسای وانک** کاترین دیر زنانه. **کلیسای آوانس**. ضمناً تعداد کلیساهای 20 باب است که 5 باب از آن‌ها خرابه است، 13 باب کلیسای ارمنی گریگوریانی و 2 باب کلیسای ارمنی کاتولیکی است. از جمله آن‌ها دیر مردانی گریگوریانی دو باب و یک باب زنانه و دیگر کاتولیکی مردانه یک باب و زنانه نیز یک باب است.» (هیئت مولفین، اسنادتصویری شهرهای ایران دوره قاجار، ص 183)

باید انصاف داد بخش ارمنی نشین اصفهان بسیار آبادتر و پر جمعیت‌تر و منظم‌تر از بخش شمالی و اسلامی آن بوده است، تا جایی که برای ورود و خروج از محله خود به داخل شهر اصفهان 16 دروازه تعبیه داشته است! تنها همین شروح و خطوط را می‌توان مدرک و مستندی بر بازسازی پس از پوریم ایران به دست تکنوکرات‌های ارمنی قرار داد و از این مطلب عجیب در شگفت ماند که چرا مورخین اخفش سان ما از خود نپرسیده‌اند تجمع مسلط آرامنه در شهر اصفهان حامل چه پیام و حاصل کدام تحول تاریخی بوده است؟!



در عین حال سیاح دیگری بنام کوستا به همراه لوکهارت تصویر بالا از اصفهان 60 سال پیش را در صفحه 9 کتاب پرشیای خود ضبط کرده است که از فراز تپه آتشکده در جنوب غربی شهر تا شمال آن را به صورت بیشه ای خلوت و غیرمسکون نشان می دهد که در چشم انداز افق آن کوه صفا نیز دیده می شود اما دریغ از شهر اصفهان !!!

سنندج



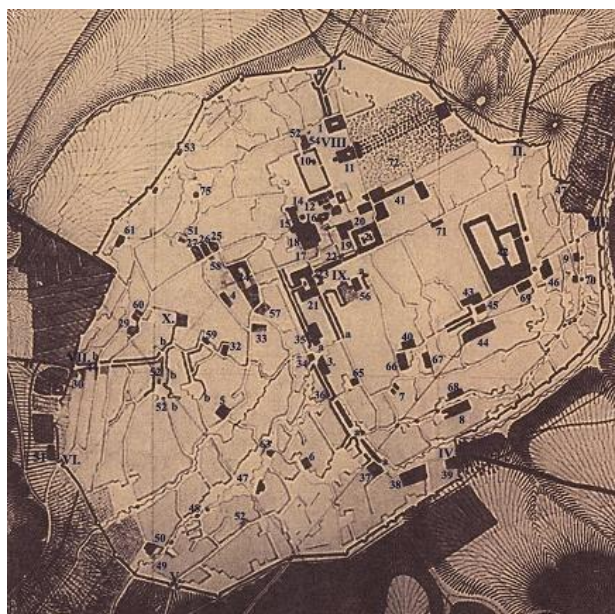
و این هم شهر سنندج، تنها شهری که هیئت نقشه برداران روس، در کردستان کنونی یافته اند. سنندج هم در ۱۵۰ سال پیش شهرکی است به مساحت ۷۵۰ در ۱۰۰۰ متر که شماره گذاری و معرفی نقاط غیر مزروعی آن به چند عنوان منحصر است: ۸ مسجد و زیارتگاه، ۵ عمارت اربابی، ۳ کاروان سرا و ضمامم و باغات خارج از شهر است. توضیحی که کتاب نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، بر سنندج گذارده است، خالی از فایده نیست.

«نقشه شهر سنه (سال 1851 م.): شهر عمده کردستان ایران به نام سنه، یا سنندج کردستان در ساحل چپ نهر آب دیو که از رودخانه قشلاق سرچشمه می گیرد، استقرار یافته سات. سنه متشکل از سه بخش است: 1. نارین قلعه (قصر)، 2. قلعه خان احمد کنگنه (استحکامات)، 3. خودشهر. نارین قلعه بخش تاریخی شهر است که دارای قصر حاکم، باغ و سایر بناهای دیگر است. قلعه در قسمت شمال غربی و کنار دیوارهای دفاعی و نزدیک دروازه آقا رحیم قرار گرفته است. در سه گوشه استحکامات قلعه، خطوط متمایزی با دیوارهای دفاعی شهر وجود دارد و در جانب شمال شرقی و شرق قلعه خود را به خط ساحلی نهر آب دیو نزدیک می سازد. در مرکز استحکامات شهر و در مقابل نارین قلعه، میدان والی قرار دارد. محله های مسکونی در اطراف این میدان حلقه زده اند. در امتداد دیوارهای دفاعی شهر، از شمال غربی تا جنوب شرقی، کاخ های شهر مستقر شده اند: عمارت ابوالفتح خان، عمارت میرزا محمد رضا وزیر و مسجد میرزا عباس، عمارت محمدخان، محمود خان و عمارت ساگ وردی خان در مقابل محدوده استحکامات شهر استقرار یافته است. نقاره خانه، توپ و باروت خانه، بناهای مرتفع و مجزا و بازار روی به میدان دارند. شهر دارای سه دروازه بوده است: دروازه عبدالعظیم، دروازه دره، دروازه تاپلیا که استحکامات

دفاعی را با هم پیوند می دهند. میدان دیگر شهر به نام میدانچه ی کلیسا، شکل ناسازمان یافته ای دارد و جزء میدان های درجه دوم به حساب می آید. صرف نظر از میدان علف خان با کاروانسراها و بازار موجود در آن، نظام های طراحی شهری و معابری که بیانگر ویژگی توسعه طراحی شهری باشد، مشاهده نمی شود. تنها نظام سه مرحله ای اسکان شهر یعنی ناریین قلعه، قلعه خان احمد کگنه و خود شهر با توپوگرافی تاریخی منطقه آن، وضعیت خاص شهر سینه را در قرن نوزدهم بیان می دارد. شهر سینه از سمت شمال غربی تا جنوب شرقی 1500 متر طول و از سمت شمال تا جنوب 1000 متر عرض دارد. بر اساس اطلاعات نقشه سال 1851 م، سینه 2120 خانه و 10240 نفر جمعیت داشته است. در حومه شهر باغ های: آساولیا، تارواشان، خسرو آباد، خانی شاسی، گل، کریزالا، عمارت امان الله بگ، گلستان، چشمه خسروآباد، تخت قاجار و کوه کوچکارش وجود دارد». (هیأت مولفین، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، ص 61)

نه مقیاس و مساحت منقول برای سندج، بر اساس اعلام اسکیل اصلی است و نه می دانیم شارح مطلب، آمار خانه ها و جمعیت شهر را از کجا برداشته است؟! هرچند ثبت فقط یک حمام عمومی برای سندج، در شماره 20، به تنهایی نادرستی این آمار در آن زمان را برملا می کند!

کرمانشاه



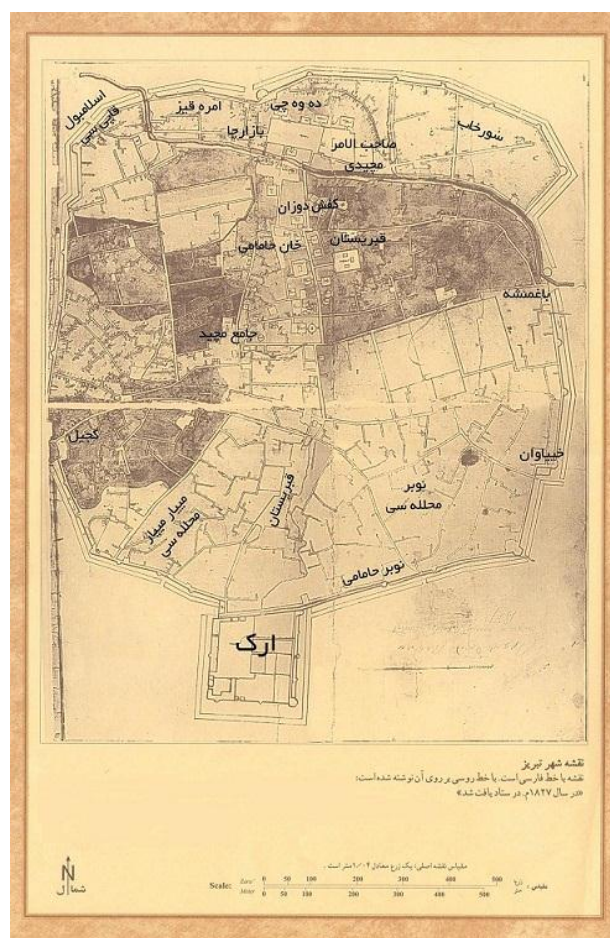
این رسامی هم کرمانشاه را قلعه محصورى نشان می دهد با طول و عرض 1500 در 1000 متر که مراکز تجمع آن شماره خورده و به گونه ی زیر صاحب عنوان و هویت شده است: 7 دروازه، با نام های عمر میل، فیض آباد، جودی که به سمت اصفهان پایین می رود، بالا اصفهان، حاجی کریم، کیا سرخ و شاه نجف. 9 مسجد و دو بازار قابل اشاره با نام های چاریشی و شاه الیسجار دارد و بناهای مسکونی آن، که عمدتاً از سوی شارحین کاروان سرا شناخته شده چهل باب است. در کرمان شاه هم آدرس بیست باب حمام را می دهند که اصولاً مورخ را نسبت به وجود برخی حساسیت های بهداشتی نزد مردم غرب مشکوک می کند به ویژه زمانی که ان شاء الله از شرح شهر همدان هم واقف شوید .

«نقشه شهر کرمانشاه (سال 1850 م): در میان شهرهای تاریخی ایران، کرمانشاه از جایگاه برجسته ای برخوردار است. نقشه این شهر توسط روس ها تهیه شده است. نقشه تفصیلی شهر کرمانشاه توسط پرسکوریاکف و گرانویچ از لشکر نقشه برداری روس، تحت راهنمایی ستاد کل سرهنگ چیریگف در سال 1850 م. برداشت گردیده است. ساختار طراحی مرکز شهر با در نظر گرفتن توسعه آن در نیمه اول قرن نوزدهم،

دارای شخصیت مستقل است. مجموعه قصر محمدعلی میرزا توسط سربازخانه‌ها، اصطبل‌ها و باروت‌خانه محصور شده است. در محدوده‌ی دیوارهای دفاعی مشخص قلعه، در نقشه حاضر ارکی وجود ندارد. در راه‌های غربی و شرقی که به سمت محورهای اصلی شهر متمایل است، کاروانسراها، مسجدها، حمام‌ها به عنوان عناصر فعالی در محیط شهری وجود دارند. ساختار طراحی شهر کرمانشاه که در اواسط قرن نوزدهم ترسیم شده است، با توجه به برداشت توپوگرافی منطقه و با عنایت به این که وضع موجود شهر به صورت افقی بر روی نقشه انعکاس یافته است، می‌تواند به عنوان یک سند تاریخی با ارزش در زمینه بررسی تاریخی طراحی شهری در ایران که حاوی اطلاعات غنی در زمینه ماهیت داخلی شهر است، مورد استفاده قرار گیرد». (هیأت مولفین، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، ص 62)

این هم دیار کرد‌ها که در مرکز دو استان کرد نشین یعنی سنندج و کرمانشاه چیزی به نام شهر دیده نمی‌شود!

تبریز

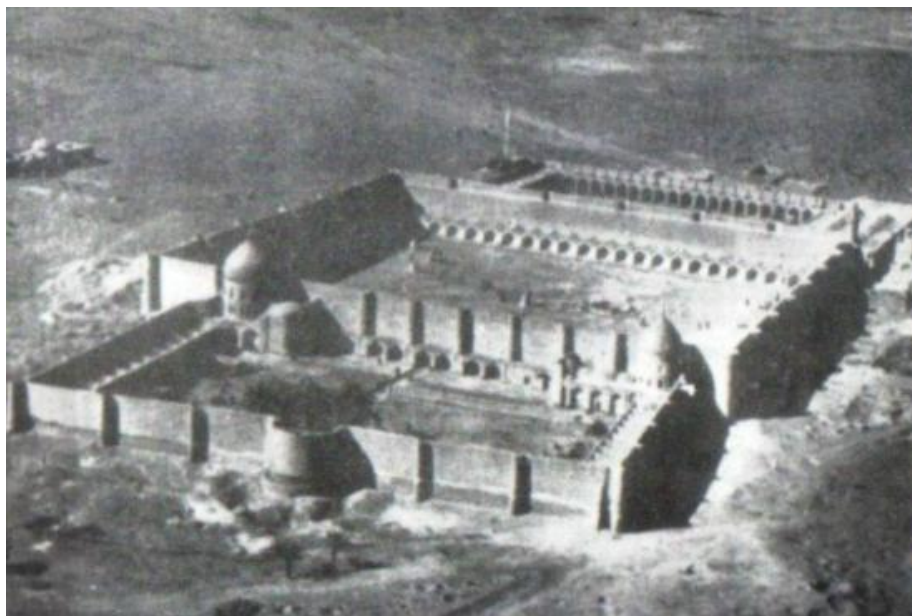


این رسامی از حصار خارجی و استحکامات و دروازه‌های تبریز در ۱۸۲۷ میلادی است، که بر طبق مقیاس نقشه، شبه دایره‌ای به قطر تقریبی ۱۴۰۰ متر و مساحتی کم‌تر از دو کیلومتر مربع است. عنایت مخصوص نقشه برداران، رسامی تبریز را به چهار قسمت تقسیم و با نمایش هر بخش به صورت درشت‌نمایی، اجزاء داخلی شهر را تا حد معرفی محلات و مساجد و دیگر بناهای عمومی و حتی صاحب‌خانه‌ها معرفی کرده است. در رسامی بالا از استحکامات تبریز، محل هشت دروازه ورودی و خروجی آن کاملاً قابل تشخیص است: دروازه مرم، دروازه نوبر، دروازه باغ‌میشه، دروازه گجیل، دروازه سرخاب، دروازه خیابان، دروازه دوچی و دروازه استانبول. در این بخش از تبریز در زمان نقشه برداری، با وجود مساحت اندک شهر، باز هم

فضاهای غیر مسکون و بی کاربرد وسیع و فراوانی دیده می شود. خانه های دو سوی کوچه و دربندها، به صورت لکه هایی همراه نام ساکن و یا صاحب اصلی آن علامت خورده و در بخش انتهایی کتاب، زیر عنوان «نام های خوانده شده در نقشه ها»، به تفکیک هر شهر، از صفحه ۲۵۷ به بعد، فهرست نام ها ذکر شده است. تعداد اندک ساکنان شهر تبریز، در اندازه ای که نقشه بردار توانسته ساکنان شهر را نیز همانند اهالی روستایی دور افتاده شناسایی کند، تجمع تبریز در زمان این نقشه برداری را از آن چه گمان می رفت، محدودتر نشان می دهد.

درخانه ابوالفتح خان، درخانه میرزا اسدالله، درخانه میرزا رحیم، در خانه میرزا رفیع، درخانه محرم بیگ، درخانه عبدالرزاق، کربلایی بابا، کربلایی رحیم، کربلایی ابوالحسن، اسد، آقا رحیم، آقا حسین، آقا جمال، آقام علی، اکبر، امامی، بابا، بهرام، حاجی رسول، حاجی زمان، حاجی عسکر، حاجی فرض علی، حاجی کاظم، حاجی حسین علی، حسین علی، رضا، رسول، زمان، سلطان علی، سلطان خلیل، شاکر، صاحب فتح علی خان، صادق، صندوق دار، عبدالحسین، علی مردان، علی عسکر، علی محمد، عدل، قاسم، کاظم، محمد علی، ملا غفار، ملاحسن، ملا محمد، مهدی خان، میرصادق، میر صالح، ورثه میرزا رفیع، ناصر، نجف قلی، نوروز، هاشم، هوشنگ و همین. جمعیت اندک شهر را می توان از فهرست مساجد نیز تعیین کرد که در نقشه فقط به دو نام مسجد صاحب الامر و مسجد جامع و دو تکیه باقر و طاهر اشاره دارد و نیز شماره حمام ها که فقط سه فقره است: **حمام خان، حمام میرزا صادق و حمام نویر**. همچنین بازارها به دو نام ختم می شود: **بازار کفش دوزها و راسته بازار**. اما تعداد کاروان سراها و باراندازها هشت فقره است، که غالباً نزدیک به مرکز تجاری و دروازه ها و به عنوان پایانه های مسافری و مهمان پذیر مورد استفاده بوده است. تعداد نسبتاً زیاد کاروان سراها، در عین حال از ارزش قلیل زمین و بایر بودن آن خبر می دهد: کاروان سری حاج محمد علی، خداداد خان، زین العابدین، فتح علی خان، میرزا اسماعیل، میرزا شفیع، مرغی ها و کاروان سرای نراق. نقشه ها سه محله را نیز معرفی می کند: محله سرخاب، محله شتربان و محله مهاده مهین.

دیگر علاقه ای ندارم شهر های دیگر موجود در ایران از قبیل بوجرد و لنکران و دزفول و ... موجود در «کتابهای شهر های ایران» را نیز توضیح دهم چون زمانی که تبریز و اصفهان و مشهد و تهران و همدان و بوشهر در ۱۸۰ سال پیش در حد روستایی نبوده اند باید وضع آن شهر ها نیز قابل تصور برای خوانندگان باشد. حال بر اساس اسناد و یاد آوری هایی می خواهم نتیجه این نقشه ها و شرح و بسط آنها را ارائه دهم که مهمتر از تجزیه و تحلیل خود نقشه ها می باشد و نتایج جالبی درباره جعلیات تاریخ معاصر نسان می دهد. قبل از این کار می خ.اهم تذکر دهم که حتی وضعیت منطقه پوریم زده عراق (کنونی) نیز همین وضعیت را داشته اند و سنگ بنای هیچ یک از شهر های عراق فراتر از ۱۵۰ سال پیش نمی باشد.



تصویر بالا مربوط به تمامی آن چیزی است که شهر کوفه می نامند! حصار گلی کوچکی است که در گوشه ای از آن دو گنبد کوچک در مقابل هم دیگر قرار دارد و دیگر هیچ! و این نمایش بیشتر شبه به کاروانسرای است که قرار بوده در آینده به شهر تبدیل شود ولی نشانی از شهر دیده نمی شود. در توضیحات این تصویر نوشته اند که مربوط به مسجد کوفه است! حال اگر بپرسیم کدام مسلمین و از کدامین شهر برای اقامه نماز و دعا به این حصار بی هیچ امکاناتی می آمدند؟! صدای قروچه دندان های جاعلین شنیده می شود.



تصویر بالا هم مربوط به شهر نجف می باشد و در وسط این تصویر چنان که مشخص است می توانید حرم علوی را مشاهده کنید. شهر و فضای داخلی دیوارهای دفاعی شهر کاملا پر شده است و گرچه طول و عرض و به طور کلی مساحت شهر چیز زیادی نیست ولی آغاز ساخت و سازها در خارج از این حصار شروع شده است. در سمت راست این حصار قبرستان شهر دیده می شود. **آیا این همه تواریخ جعلی را برای چنین شهرها و اماکن تجمعی نوشته اند که تا همین 150 سال پیش چنانچه تصاویری از آنها موجود است دارای جمعیت یک روستایی هم نبوده اند؟! .!**

«روسیه در جنگ های 1813 و 1828 میلادی و تحمیل معاهده گلستان و ترکمان چای شهرهای شمال غربی و شمال شرقی ایران را اشغال و ضمیمه خاک خود نمود و انگلیسی ها با اشغال جزیره خارک و بندر بوشهر طی معاهده پاریس در 1857 میلادی. ایران را مجبور کردند از افغانستان چشم پوشد و هرات را تخلیه کند». (هیت مولفین، شهرهای ایرانی در دوره قاجار، ص 10)



به راستی حکایت دردآوری از خواب آلودگی صاحب نظران خودی و لودگی تاریخ پردازان اورشلمی در تنظیم و تحریر هدفمند تاریخ ایران تا همین بیخ گوش ماست. زیرا کسی تاکنون از خود نپرسیده است در سرزمینی که تا ماقبل دوران قاجار، چنان که به دنبال اسناد تقدیمی، به خواست خدا اثبات خواهد شد، فاقد دولت مرکزی و شهر و روابط تولیدی و حتی حضور اولیه ی اقوام است، به طوری که مسجد شیخ لطف الله اصفهانی و شاه عباسی اش را به زمان رضا شاه ساخته اند و در اوج قدرت قاجار، نقشه برداران ارتش تزار، بدون برخورد معارض، سرزمین تحت لوای دربار سلطان قدر قدرت را قدم زنان و با مقاصد بهره برداری نظامی مساحی می کنند، از چه زمان و چه گونه و با دست چه کسی صاحب قفقاز و گرجستان و افغانستان شده است که روس و انگلیس از آنان برابند؟! و به عنوان نمونه مطلبی را بخوانید که معلوم می کند روسیه تزاری در زمان انعقاد عهد نامه گلستان، یعنی سال عقد آن قرارداد، به چه حال و روزی دچار بوده است؟!

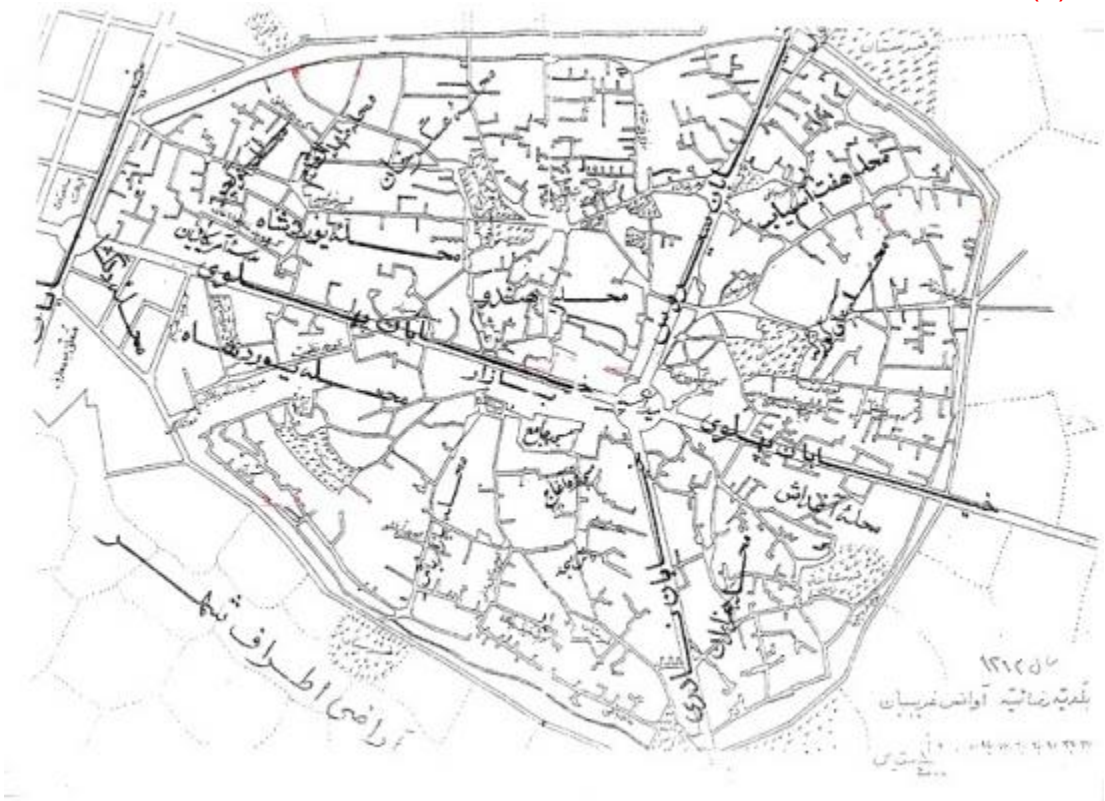
«جام جم ان لاین: 197 سال پیش در روز 15 سپتامبر سال 1812 میلادی یک روز پس از ورود فاتحانه ارتش عظیم ناپلئون اول، امپراتور فرانسه به مسکو آتش سوزی های وسیعی در این شهر رخ داد و شهر مسکو که ساکنانش قبلاً تخلیه شده بود در آتش ویران شد. دستور افروختن حریق را کنت رستو پشین، حاکم مسکو صادر کرده بود تا از استقرار ارتش بزرگ ناپلئون، امپراتور فرانسه در این شهر جلوگیری کند. ناپلئون در راس یک ارتش عظیم 500000 نفری در ماه ژوئن سال 1812 میلادی وارد خاک روسیه تزاری شده بود. ناپلئون و ارتش نیرومندش بدون آن که نیروهای روسی بتوانند در مقابل آن ها مقاومت کنند در خاک روسیه پیشروی می کنند. آن ها در سراسر مسیر خود با سرزمین های سوخته مواجه می شوند. ناپلئون در ابتدای ورود به روسیه متوجه تاکتیک جنگی مارشال کوتوزوف فرمانده ارتش روسیه تزاری نشد. کوتوزوف از مصاف مستقیم با ناپلئون خودداری کرده و برای محروم کردن لشکر عظیم ناپلئون از تدارکات، تمام روستاها، دهکده ها و کشتزارهایی که در مسیر او بودند را تخلیه و تخریب می کرد. ناپلئون پس از اشغال شهر ویلنیوس در لیتوانی در 28 ژوئن متوجه تاکتیک دشمن شد که قصد داشت با کشاندن لشکر عظیم ناپلئون به عمق خاک روسیه آن را فرسوده کند». (جام جم، 22 دی ماه 1388)

شاستاکوویچ برای ماجرای آتش زدن عمدی مسکو و دهات و شهرهای در مسیر ناپلئون، یک سمفونی بی نهایت قدرتمند به نام سمفونی ۱۸۱۲ دارد که تقلید صدای غرش توپ ها در آن شنونده را در میان صحنه های آن جنگ قرار می دهد. تاریخ از بی تحرکی بین المللی دربار تزار برای ترمیم لطمات حاصل از حمله ناپلئون به روسیه تا ۲۰ سال پس از شکست ناپلئون و بازگشت او به فرانسه خبر می دهد، اما برای ما گفته و نوشته اند که در همان دورانی که تزار و لشکرش با آتش زدن مسکو از مقابل ارتش ناپلئون عقب می نشستند، در جای دیگر مشغول انعقاد عهد نامه ی گلستان با ایرانیان شکست خورده بوده اند؟! آیا کدام را دروغ بپنداریم، حمله ناپلئون به روسیه را، سوزاندن مسکو را و یا تسلیم ایران به روسیه و قرار داد و عهد نامه گلستان و یا همگی را؟!

«تهیه نقشه از شهر های ایرانی توسط کارشناسان فنی رسته نظامی روسی نتیجه برنامه های توسعه طلبانه ای است که به جنگ های محلی بزرگ و کوچک و تحمیل معاهده هایی گران انجامید که اغلب نتیجه رقابت های سیاسی و اقتصادی کشور های اروپایی برای سلطه اقتصادی و فرهنگی در منطقه بوده است». (هیت مولفین، شهرهای ایرانی در دوره قاجار، ص 10)

باز هم با افاضات و شعارات رو به رویم، زیرا تهیه نقشه از شهرهای ایران برابر اعلام مندرجات منضم به هر نقشه به تقریب و تدریج در فاصله زمانی ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۵ صورت گرفته، که جنگ و معاهده ای در کار نبوده است! آیا به راستی تکلیف محقق در میان این همه ادعاهای کج و کوله تاریخی و فنی چه گونه تعیین می شود؟!

- شکستن سکوت (3)



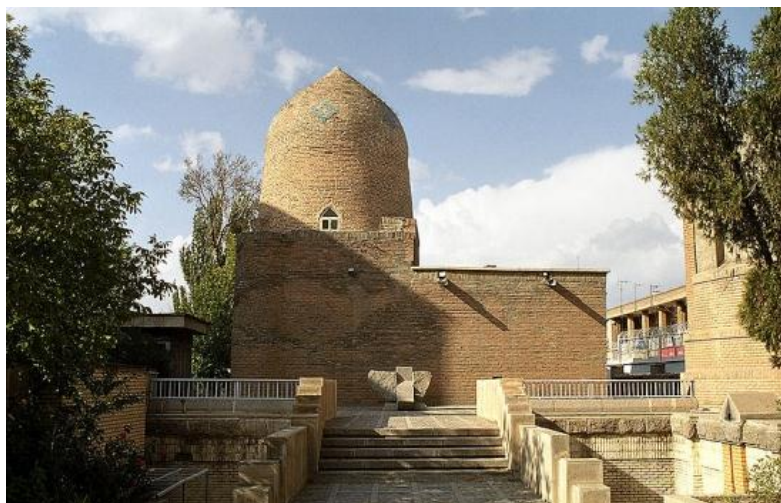
تصویر بالا مربوط به نقشه ارومیه (بلدیه رضائیه) به سال 1312 می باشد یعنی حدود 80 سال پیش. همانگونه که می بینید کل شهر ارومیه (رضائیه نوشته شده است) که در تصویر بالا در حد یک میدان به نام سپه و سه خیابان با نام های پهلوی، سیروس و نادری ثبت شده است و محله هایی که فقط خط کشی شده است و آثاری از وجود خانه های متراکم دیده نمی شود شامل محله های: محله هزاران، محله یوردشاه، محله دلگشا، محله علی گورگه، محله هفت آسیاب، محله هندو، محله عسگر خان، محله مهد القدم، محله نو گچر، محله بازار باش، محله آغداش است. مساجد جامع، آغاج، داش مجید، خود را نشان می دهد و یک مدرسه به نام **مدرسه آمریکائیان** در اطراف این محوطه که شهر ارومیه نام گرفته چهار قبرستان قرار دارد و در داخل این محوطه کوچک باز هشت قبرستان به چشم می خورد. و نکته جالب توجه رسام این نقشه می باشد که شخص است **ارمنی** به نام **آوانس غربیان**. و دیگر هیچ.

- اشاره (2)

این یادآوری از این روی می‌باشد که اکثر زیرساخت‌ها شهری و عوالم ایجاد فتنه در جوامع اسلامی از قبیل امامزاده‌های منطقه را یهودیان، آرامنه و گرجی‌های مهاجر ساخته‌اند و برای اثبات آن اسناد زیادی موجود است که اگر مباحث در پیش روی تمام شود شاید به آن‌ها نیز خواهیم پرداخت ولی در همین جا اگر نقشه‌های شهرهای ایران را مورد بررسی قرار دهید متوجه می‌شوید وقتی تا 180 سال پیش هنوز شهری در ایران شکل نگرفته و شهرهای امروزی مثل تهران و مشهد و اصفهان در حد یک روستا نیز نیستند از کدامین امامزاده‌ها صحبت می‌کنید؟



مقبره خاخام دانیال (دانیال نبی!) از بزرگان یهود که یهودیان آن را پیامبر معرفی می‌کنند و بر اساس تاریخ‌های نوشته شده یهود جزو مهاجرینی بود که بعد از تخریب اورشلیم به دست بخت النصر به منطقه آمده است! دوستان می‌توانند شرح حال ایشان را در فصل دانیال نبی تورات‌های عهد عتیق مطالعه کنند.



مقبره عاملان قتل عام وحشت ناک پوریم که در یادداشت قبلی معرفی کرده بودم و به زیارتگاه استر و مرد خای معروف است و یهودیان برای خواندن دعا و زیارت نامه و دعای توسل و ندبه به آنجا می‌روند!.



این هم تابلوی ورودی این امامزاده هاست که اگر توجه کنید گنبد آن ترکیبی از معماری کنیسه ای و بوقی می باشد . حال توجه کنید به عکس زیر که مربوط به قره کلیسا در آذربایجان غربی می باشد و یکی از مهمترین کلیسا های ارامنه در آنجا است.



حال معماری کلیسایی و کنیسه ای را با آثار گنبد کاووس ، مقبره بابا طاهر و ابن سینا و... و برخی امامزاده ها که وارد آن نمی شوم مقایسه کنید . برای مثال مقبره قیدار نبی ، منتسب به جد حضرت محمد!!!



آیا شبیه مقبره یهودیان استر و مرد خای نیست ؟ شک نکنید سازندگان هر دو یک گروه واحد هستند!

- نتیجه گیری:

براساس آنچه آمد می توان از تولید جعلیات و نشر آنها به فتنه جویی دشمنان قسم خورده مسلمین پی برد و با استناد به اسناد یاد شده نتیجه گرفت:

1- از هزاره های دور مردمان متمدنی در منطقه زندگی می کردند و بر اساس آنچه از دست ساخته های آنها باقی مانده است می توان چنین گفت: تمدن های منطقه که حاصل رشد طبیعی بومیان اولیه بوده اند در اوج هنر و صنعت و فرهنگ و ثروت در منطقه و قبل از ورود نیزه داران هخامنشی زندگی می کردند.

2- فساد یهود در منطقه موجب اتحادی بین تمدن های مجاور آنها شد و به مدیریت بابل مرکز فساد منطقه در اورشلیم نابود گشت و در نتیجه این اقدام مهاجرین و جان به در بردگان این اقدام آنوسی وار در بین مردمان منطقه به سر بردند و در اندیشه انتقام.

3- یهودیان در چاره جویی که آن را پوریم نامیدند کل تمدن های منطقه را نابود کردند و بازمانده ای را باقی نگذاشتند و بعد از هجوم نیزه داران یهود به منطقه تا طلوع اسلام حدود 1200 سال سکوت کاملی در منطقه حاکم شد.

4- بازسازی اورشلیم به دست یهود و تجدید بنای معبد مقدس و ایجاد فتنه جدید.

5- حمله اسکندر به اورشلیم و نابودی دوباره و آوارگی ابدی یهود در جهان.

6- رود بدون معارض هلنیست های اروپا به منطقه و فراوان بودن مراکز تجمع آنها در منطقه در اثر به قدرت رسیدن مسیحیت در اروپا و ایجاد اختلاف بر سر نزاع بین هلنیسم و مسیحیت.

7- طلوع اسلام و شکستن سکوت در منطقه و گسترش آن به سرزمین های دارای تجمعات انسانی در شما آفریقا و هند.

8- چاره جویی کنیسه و کلیسا برای اتحاد با مهاجرین هلنی به منطقه و صلح مصلحتی میان کلیسا و هلنیسم برای جلوگیری از نفوذ اسلام به طوری که مسیحیت از فشار دینی خود کاست و هلنیسم علم و صنعت خود را به مسیحیت هدیه کرد و در نتیجه آن روناسنس به وجود آمد تا جبهه ای مشترک بر علیه اسلام شکل بگیرد.

9- سرمایه گذاری سران کلیسا و کنیسه برای ایجاد کشورهای جدید ایران و عراق و تورکیه برای تولید هسته های اولیه فتنه اسلامی با تولید انواع مذاهب مختلف و مهاجرت دادن اقوام مختلف از حاشیه سرزمین خالی از سکنه پوریم به منطقه و تولید تجمعات جدید.

10- تولید تواریخ دروغین با توسل به جعل و تولید انواع دست ساخته های قلابی برای پر کردن خلا 2200 ساله تمدنی منطقه.

اکنون می توان گفت بر اساس اسناد ارائه شده مسائل بسیار زیادی در تاریخ معاصر نیز زیر سوال می رود:

1- جنگ های ایران و روس همگی جعلیاتی بیش نیستند چون زمانی که وضعیت شهر های ایران به اینگونه بوده است و همزمان با همین جنگ ها پایتخت روسیه تزاری تحت اشغال قوای فرانسه بوده است اصولا روس ها نمی توانستند جبهه دومی را علیه ایران تشکیل دهند و مهمتر از آن عباس میرزای دروغین معلوم نیست سربازان خود را از کدامین شهرها برای رویارویی با ارتش روسیه فراهم می کرده است.

2- تمامی قراردادهای منطقه بین ایران و روسیه و فرانسه و انگلیس که در تولید آنها سعی بر تظاهر به وجود قدرت متمرکز در ایران می‌باشد همگی جعلی و غیر قابل قبول هستند.

3- زمانی که کشوری خالی از جمعیت لازم و شهرهای گسترده می‌باشد نمی‌توانست دارای مرکزیت سیاسی نیز باشد. بنابراین سلسله قاجاریه و شخص ناصرالدین شاه بر اساس اسناد ارائه شده زمانی که هیچ عکس غیر فتومنتاژی از او پیدا نمی‌شود جعلی و دروغین هستند.

4- انقلاب مشروطیت که با فاصله کمی بعد از مرگ ناصرالدین شاه رخ می‌دهد نیز جعلی است به طوری که تمامی تصاویر سیاسی مربوط به مشروطه و اشخاص سیاسی آن دوره همگی فتومنتاژ می‌باشند. و اصولاً نمی‌توان تصور کرد ساکنین و مهاجرین جدید قبل از تامین نیازهای لازم برای تشکیل شهرها و اجتماعات لازم قدرت چنین اقداماتی را داشته باشند همانگونه که اکنون نیز شاهد چنین انسجامی در داخل کشور های مذکور و بین ملل منطقه دیده نمی‌شود.

6- اولین تظاهر برای تشکیل حکومت مرکزی در زمان پهلوی ایجاد می‌شود و زمانی که تلاش برای ایجاد نظامات و یکسانسازی فرهنگ و کشیدن جاده‌ها و راه‌های سراسری شمال و جنوب و... را مشاهده می‌کنیم به ابتدای کار و پروژه ملت سازی در کشور جوان ایران پی می‌بریم. به طوری که نظیر همین ساخت و سازها در تورکیه و توسط آتاتورک اجرا می‌شود.

حال قبول یا عدم قبول این ادعاها، که برای اثبات آنها به اندازه کافی اسناد کافی ارائه شده است را بر عهده وجدان های آگاه قرار می‌دهیم. خواه از سخنانمان پند گیرند و خواه ملال.

زنده باد جبهه مقاومت اسلامی

پایان

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**